

# برتری روانی انقلاب را بر ضد انقلاب، تحکیم و تقویت کنیم!

مردم را بیدار  
کنیم و به آنها  
امید بدهیم!

صفحه ۷

## امام خمینی:

زیادند اشخاصی که از ملت و ملیت دم میزنند، لکن وقتی که به قدرت میرسند، بر خلاف ملت و ملیت عمل می کنند

- \* این بختیار بود که همه دیدید از جیبه ملی بود و از ملی گرایان دیدید که با ملت ما چه کرد.
- \* بسیاری از آنها (شرکت کنندگان در کنفرانس طائف) را، هم شما و هم ما می شناسیم، چقدر با صهیونیسم همراه بودند

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در دیدار با پرسنل نیروی هوایی، روز ۱۹ بهمن ۵۹ سخنانی ایراد کردند.

امام خمینی ابتدا ضمن اشاره به پیوستن پرسنل نیروی هوایی به صفوف انقلاب در روزهای قبل از ۲۲ بهمن ۵۷، گفتند: «آنروزی که شما آقایان نیروی هوایی آمدید در صحنه و مخالفت کردید با رژیم طاغوتی، آنروز ارزش شما در تاریخ ثبت شده

امام خمینی خطاب به پرسنل نیروی هوایی گفتند: «کسانی که در داخل شما وارد می شوند و بیخ گوش شما مسائل را طرح می کنند، توجه کنید که طرح این طور مسائل طرح

تفرقه است؟ طرح جدا کردن یک قشر از قشر دیگر است؟ یا دعوت به وحدت و دعوت به انسجام است؟

امام خمینی همچنین ضمن اشاره به تجاوز و حشیانه رژیم صدام به مملکت ما و کشتار عده زیادی از هموطنان ما، به کنفرانس طائف اشاره کردند و گفتند: بقیه در صفحه ۴

## گسترش و انسجام جنبش کشورهای غیر متعهد در مبارزه علیه امپریالیسم

روز دوشنبه بیستم بهمن ماه ۵۹، کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعهد در سطح وزیران امور خارجه عضو این جنبش، در دهلی نو پایتخت جمهوری هند کار خود را آغاز میکند.

نظری گذرا به تاریخچه جنبش غیرمتعهدها

در ما آوریل سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴) نخستین گردهم آیی نمایندگان تعدادی از کشورهای نو-استقلال آسیا و آفریقا در باندونگ تشکیل یافته درصفا ۴

نامه  
مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۰  
دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با  
۳ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵ ریال

## بدنیال اعلام نرخ رسمی مرغ از طرف ستاد بسیج اقتصادی:

### سرمایه داران با عرضه نکردن مرغ، تهران را با کمبود مرغ مواجه کرده اند

\* وقتی ستاد بسیج اقتصادی قیمت رسمی مرغ را، که کیلویی ۱۰ تومان کمتر از قیمت بازار بود، اعلام کرد، تولیدکنندگان از عرضه مرغ به فروشندگان مجاز خودداری کردند.

\* در حال حاضر مرغ فروشیهای تهران تعطیل است و تنها از طریق بازار سیاه می توان مرغ تازه را کیلویی ۲۵ تومان بدست آورد.

با اعلام نرخ رسمی مرغ از طرف ستاد بسیج اقتصادی کشور و از آن تر شدن آن، تولیدکنندگان بزرگ مرغ از توزیع مرغ خودداری کردند و بدنیال آن، تهران با کمبود مصنوعی مرغ مواجه گردید و اغلب مغازه های مرغ فروشی تعطیل شدند.

بر اساس گزارش خبرنگاران نامه مردم، به دنبال این اقدام تولیدکنندگان مرغ، که اغلب آنها سرمایه داران بزرگ هستند از چند روز پیش اکثر مغازه های مرغ فروشی در سطح شهر به علت همین کمبود مصنوعی تعطیل است، و این در حالی است که تولیدکنندگان، مرغ را به قیمت غیر رسمی به کشتار کنندگان غیر-مجاز می فروشند و در نتیجه مرغ در بازار سیاه کیلویی ۲۵ تومان

به خریداران عرضه میشود. قیمت مرغ، که در سال گذشته کیلویی ۲۲ تومان بود، ناگهان در عرض چند هفته گذشته به کیلویی ۳۰ الی ۳۲ تومان رسید. عمده فروشان، مرغ زنده را بطور آزاد کیلویی ۲۱ تومان به کشتار کنندگان می فروختند. آنها نیز به قیمت کیلویی ۲۴ تومان بقیه در صفحه ۴

در سالگرد انقلاب توسط سندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر:

## فستیوال تئاتر انقلاب در تهران برگزار می شود

سندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر ایران به مناسبت سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران اقدام به برپائی فستیوال تئاتر انقلاب کرده است. این فستیوال از روز ۲۳ ۵ ۳۹ بهمن ماه جاری در تئاترهای پارسی، دهقان، ملت و نصر برگزار می شود. ساعت شروع این نمایشها هر ۴ بعد از ظهر، محل این تئاترها، تهران - خیابان لاله زار است.

همچنین به مناسبت سالگرد انقلاب، ۶ نمایش خیابانی، روز ۲۳ بهمن ۵۹، در میدان امام خمینی، ساعت هر ۴ بعد از ظهر اجرا خواهد شد.

## در باره گزارشهای جعلی ضد شوروی جرایم و استناد تبلیغاتی امپریالیستی

رادیو مسکو در برنامه فارسی خود در تاریخ ۱۲ بهمن ۵۹، در تفسیری، زیر عنوان: «تاریخ گزارشهای جعلی ضد شوروی جرایم و استناد تبلیغاتی امپریالیستی»، در باره خبر کذایی «ارسال ۱۰۰ تانک ساخت شوروی از طریق عربستان به عراق»، که متأسفانه برخی از رسانه های گروهی متهم ما نیز باز دیگر بدام آن افتادند، از جمله، چنین گفت:

«در دوران اخیر دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی، در رابطه با ادامه درگیری مسلحانه میان ایران و عراق باز هم نوعی دروغی پراهن داده است. رادیوهای «صدای آمریکا» و بقیه در صفحه ۷

## تعداد زیادی از سنگرهای دشمن در جبهه ها نابود شد

دشمن را به آتش کشیدند. شهر قهرمان پرور آبادان در همین مدت ناچاراندرانه زیر آتش سلاحهای سنگین دشمن قرار داشت، که در نتیجه به یک میدان شهر صدماتی وارد شد و سه نفر از پرسنل شهرداری مجروح شدند.

۲- در جبهه خوتین شهر رزمندگان دلیر ارتش جمهوری اسلامی ایران تعدادی از سنگرهای انفجاری ارتش عراق را منهدم کردند. در این عملیات یک سرباز جانباز نیروی دریایی مجروح شد.

۳- دیروز و بربروز مواضع یگانهای دشمن متجاوز در جبهه های موسسگرذیر آتش توپخانه نیروهای خودی قرار گرفت و نیروهای رزمنده اسلام موفق شدند یک تانک و سه سنگر دشمن را منهدم و هشت تن از افراد دشمن را اسیر کنند. بقیه در صفحه ۷

## ویژه نامه دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران

ضمیمه نامه «مردم» با مطالب زیرین منتشر شد:

- دومین سال انقلاب شکوهمند بهمن، سال پیروزی بر توطئه های بیابی امپریالیسم و ضدانقلاب

- در کوره آزمون تاریخ - حزب توده ایران و نقش آن در پاسداری و بالندگی انقلاب

- سالی دیگر همراه با خط ضد امپریالیستی و خلقی امام

- تا شب چراغ دریا... (شعر)

- نهادهای انقلابی در خدمت آرمانهای انقلاب

- دو سال مبارزه دهقانان زحمتکش برای زمین

- شهیدان بهای آزادی خلق را از جان خویش میدهند

- دو سال نبرد با امپریالیسم چنایتکار آمریکا

- انقلابی بزرگتر از انقلاب اول

- خانه از پای بست ویران است

- یکسال همراه فرازو نشیب های انقلاب

## نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

### کیخسر و کیخسروی، نامی جدید بر «لوح افتخار» حزب توده ایران

\* «ما متعلق به خود و قایل خود نیستیم، ما متعلق به تاریخ یک ملت رنج دیده ایم و باید شایسته این وظیفه ای که تاریخ بگردن ما نهاده است، باشیم».

\* در صفا مقدم جیبه به قوای خصم پورش برد و در بازگشت در صفا مقدم شهدا جای داشت.



جزء دعوت کنندگان به اعتراض و اعتصاب علیه رژیم متفور پهلوی بود، به جستجوی دلایل اعتراضات میرفت و آنرا که درست می یافت، بدان می پیوست.

کیخسرو هنوز در دانشکده تحصیل میکرد که پدرش فوت کرد و مسئولیت اداره خانواده نیز به او واگذار شد. پس از اتمام تحصیلات و گذراندن دوران سربازی، به کار پندرش (پیشهوری) ادامه داد.

رفیق کیخسروی در این زمان بقیه در صفا ۴

رزمندهای دیگسر از تبار توده ایها در دفاع از استقلال و آزادی ایران بر خاک افتاد، لاهی دیگر در دشت لاهی خیز وطن روید و سالاری دیگر به رهروان قافله شهیدای توده ای پیوست.

رفیق کیخسرو کیخسروی در ۱۳۲۹ در تهران بدنیال آمد. پدرش پیشهور و مادرش معلم بود. کودکی خود را در تهران-پارس گذراند و دوران دبیرستان خود را در سال ۱۳۴۸ در دبیرستان فیروز بهرام بیابان برد و در سال ۱۳۴۹ وارد دانشکده کشاورزی

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



گسترش و انسجام...

بقیه از صفحه ۱

گردد. در این گردهم آیی بنیاد تشکیل جنبش غیرمتصدای پیریزی شد. تشکیل این گردهم آیی ازجانب کشورهای نواستقلال برای سازمان دادن جنبش غیرمتصدای در حقیقت واکنشی بود در برابر سیاست نواستعماری امپریالیسم جهانی...

در گردهم آیی بانوگک بیانیه‌ای به تصویب رسید که منشور سیاسی این جنبش را اعلام کرد. در این منشور اصول احترام به حق حاکمیت کشورهای تناساتی برابری حقوق همه ملت‌ها رد هرگونه نظریات تبعیض‌نازادی و قومی و ملی، محکومیت هر نوع مداخله در امور داخلی کشورها، احترام به حق هر کشور برای دفاع از خود بر طبق منشور سازمان ملل متحد، خودداری از یکباربردن نیرو و تهدید به استفاده از نیرو، جلوگیری از اختلافات از طریق مذاکره و شیوه‌های مسالمت‌آمیز، پشنامه اساسنامه این جنبش مورد تأیید قرار گرفته است.

علاوه بر این، در گردهم آیی بانوگک خلع سلاح، منع آزمایش سلاح هسته‌ای، انحلال پایگاه‌های نظامی خارجی در سرزمین کشورهای دیگر، مورد پشتیبانی قرار گرفت و سیاست امپریالیستی بلوک‌نویسی و پیمان‌های نظامی محکوم شد. شرکت‌کنندگان در گردهم آیی بانوگک همزیستی مسالمت‌آمیز را مانند سنگ پایه سیاست خارجی در روابط بین‌المللی پذیرفتند. گردهم آیی بانوگک بر سیاست بیطرفی مثبت و فعالیستیکری ضد امپریالیستی جنبش غیرمتصدای تأکید کرد.

موقفیت گردهم آیی بانوگک و منشور آن، که پاسنخوری خواست‌ها و اهداف همه کشورهای نواستقلال در قاره‌های مختلف جهان بود، اندیشه تشکیل یک جنبش جهانی از کشورهای نواستقلال را، که به جنبش غیرمتصدای معروف گردید، در میان همه کشورهای نواستقلال، که آماج سیاست نواستعماری امپریالیسم بودند، رسوخ داد. منشور جنبش کشورهای غیرمتصدای، که متن منباززه پیگیر و قاطعانه علیه سیاست‌های استعماری و نواستعماری امپریالیسم بوده بطور عینی مسئله همکاری بین همه‌جانبه کشورهای عضو این جنبش را یا کشورهای جامعه سوسیالیستی مطرح کرد. آمادگی کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی برای همکاری همه‌جانبه با کشورهای نواستقلال و پشتیبانی پیگیر و قاطعانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از مبارزه ضد استعماری و نواستقلال‌طلبانه این کشورها در عمل ثابت کرد که گسترش روابط کشورهای نو - استقلال یا کشورهای سوسیالیستی و همکاریهای اقتصادی این کشورها در مبارزه علیه امپریالیسم و استحکام مبنای استقلال آنان در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی مساعدت میکند و تمسین اطمینان بخشی برای حفظ استقلال ملی آنان در برابر توطئه‌ها و طرح‌های تجاوزی امپریالیسم جهانی، بسر گردگی امپریالیسم آمریکا است.

واکنش دول امپریالیستی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، نسبت به مصوبات بانوگک موید این واقعیت بود که منشور جنبش کشورهای غیرمتصدای با منافع آزمیندانه انحصارات امپریالیستی و سیاست نواستعمار امپریالیسم جهانی مغایرت دارد و سندی است در راه تحقق این سیاست. به همین علت بود که وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده آمریکا، جهان فوستر دالی، در باره منشور بانوگک اظهار داشت:

«بیطرفی اصلی است مغایر با اخلاقیات!» در سالهای پس از گردهم آیی بانوگک، با پیشرفت روند فریادنی سیستم مستعمراتی امپریالیسم و تلاشیهای امپریالیسم آمریکا در ایجاد پیمان‌های نظامی منطقه‌ای و جلب کشور-

های نواستقلال به این پیمان‌ها سوی دیگر، اندیشه‌های بانوگک در میان کشورهای نواستقلال در همه قاره‌های جهان - که بر تعداد آنان نیز افزوده میشد - اشاعه یافت. پس از یک سلسله تماس میان مقامات کشورهای نواستقلال در ژوئن سال ۱۹۶۱ (تیر - مرداد ۱۳۴۰) نمایندگان ۲۲ کشور آسیایی و آفریقایی در قاهره، پایتخت مصر، اولین گردهم آیی خود را تشکیل دادند.

در گردهم آیی قاهره، پس از مباحثات و بررسیهای همه‌جانبه درباره اصول سیاست خارجی و مواضع کشورهای عضو جنبش، اصول زیرین مورد تأیید قرار گرفت:

سیاست کشورهای عضو جنبش غیرمتصدای باید مستقل و بر اساس اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و عدم تعصب قویین شود. هر کشور عضو جنبش غیرمتصدای موظف است از جنبش‌های رهایی‌بخش ملی خلقها حمایت کند، در هر چه می‌تواند عضویت نداشته باشد و بیخ کشور خارجی اجازه ندهد که در سرزمین آن پایگاه نظامی احداث کند.

در ماه سپتامبر همان سال، یعنی ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) نخستین کنفرانس سران ۲۵ کشور نواستقلال عضو جنبش غیرمتصدای در بلگراد، پایتخت یوگسلاوی، تشکیل شد. دو کنفرانس بلگراد، ناهنگونی مواضع کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس، که ناشی از ساختار اقتصادی - اجتماعی، اشکال‌رهای آنان از پندهای استعماری و درجه وابستگی آنان از لحاظ ماهیت طبقاتی محافل حاکمه آنان نسبت به دول امپریالیستی و بطور کلی جهان سرمایه‌داری بود، بازتاب یافت. طبیعی است که دول امپریالیستی، و در درجه اول امپریالیسم آمریکا، که گسترش و توسعه جنبش کشورهای غیرمتصدای را مانع بزرگی بر سر راه اجرای سیاست نواستعماری، سابقه‌تسلطیاتی و بلوک‌های نظامی خود میدیدند، با استفاده از این ناهنگونی و اختلافات و تفاوت بر خوردها در میان کشورهای غیرمتصدای، و تحریک و تقویت جنبه‌های مورد اختلاف میان آنان، بوسله‌نزدیکان خود، مسئله تشکیل یک «بلوک سوم» را بپنومان مقابله با کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای سوسیالیستی بطور یکسان، در این کنفرانس مطرح کردند. طرح این مسئله هدفش انحراف ست سیاست ضد امپریالیستی جنبش غیرمتصدای و محروم کردن جنبش از پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی بود.

طراحان امپریالیستی این توطئه بخوبی واقف بودند که محروم کردن کشورهای عضو جنبش غیرمتصدای از همبستگی و حمایت کشورهای جامعه سوسیالیستی بهترین وسیله‌هموار کردن راه برای بازگشت کشورهای نواستقلال به مدار سیاست امپریالیستی و گردن‌نهادن به وابستگیهای سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم جهانی است. سیاست ضد-انقلابی و خرابکارانه رهبری مائوئیستی چین در تقویت این توطئه‌های امپریالیستی علیه استقلال کشورهای عضو جنبش غیرمتصدای نقش مهم و موثری داشت.

اما این توطئه با مقاومت شدید جناح‌های امپریالیست امیل کشورهای غیر متصدای روبه‌رو گردید و در کنفرانس بلگراد از جانب اکثریت کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس محکوم و رد شد.

دوین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتصدای در اکتبر سال ۱۹۶۴ (مهرماه سال ۱۳۴۳) در قاهره تشکیل شد. در این کنفرانس ۴۸ کشور از آنجمله برای نخستین بار ۹ کشور از آمریکای لاتین شرکت کردند. در این کنفرانس نیز سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز، عدم شرکت در هرگونه پیمان نظامی، مبارزه برضد امپریالیسم سوسیالیستی نواستعماری مورد تأیید قرار گرفت.

سومین کنفرانس کشورهای غیرمتصدای، که بنا بود در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) تشکیل شود، به علت تجاوز دولت صهیونیستی اسرائیل به کشور - های عربی، در این تاریخ تشکیل نشد و پس از سه سال، یعنی سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) در لوزاکا تشکیل شد.

در فاصله میان کنفرانسهای دوم و سوم جنبش کشورهای غیرمتصدای، جنگ تجاوزی بنایست- آمیز امپریالیسم آمریکا در هندوچین گسترش یافت و اسرائیل به کشورهای عربی تجاوز کرد. همین مسائل مشخص و شدید و وخامت اوضاع جهان، که نتیجه سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا بود، موجب گردید که در کنفرانس لوزاکا

بر اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر کشورهای غیرمتصدای در مبارزه علیه سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم تأکید شود. در این کنفرانس جنگ تجاوزی امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای هندوچین، تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی و اشغال سرزمینهای این کشورها محکوم گردید و نسبت به خلقهای هندوچین و خلقهای کشورهای عرب ابراز همبستگی و همدردی شد. در این کنفرانس بار دیگر بر این مسئله تأکید شد که پشتیبانی کشورهای عضو جنبش غیرمتصدای از جنبش‌های رهایی‌بخش خلقها، بویژه خلق عرب فلسطین، بایستی تقویت شود. در این کنفرانس اعلامیه‌های مربوط به استقلال تاسیبا و زیمبابوه (روندیا) مورد تصویب قرار گرفت.

چهارمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتصدای در سپتامبر ۱۹۷۳ (مهر ۱۳۵۲) در الجزیره تشکیل گردید. در فاصله میان سومین تا چهارمین کنفرانس غیرمتصدای، یعنی سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۳، در صحنه سیاست بین‌المللی، تحولاتی به نفع نیروهای ضد امپریالیست استقلال‌طلب روی داد: یگلاش به استقلال خود دست یافت؛ اختلافات میان هند و پاکستان تا حدی حل و فصل گردید؛ در لائوس آتش‌بس برقرار شد؛ خلق قبرمان ویتنام در نبرد علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا به پیروزیهای بزرگی رسید.

تجارب کشورهای نواستقلال در مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر استحکام مبنای استقلال سیاسی و اقتصادی در جلسات این کنفرانس بازتاب یافت. فیلد کلمترو، رهبر کوبا، که در این کنفرانس شرکت داشت، طی سخنرانی خود ضمن تحلیل اوضاع سیاسی جهانی و مواضع جنبش غیرمتصدای در مسائل بین‌المللی، «فلسفه توسعه‌آمیز امپریالیستی- مائوئیستی» در ایرتدرته را محکوم کرد و هدف این نظریه را، که بر اغتیار کردن و تحریف ماهیت واقعی سیاست اتحاد شوروی و محروم ساختن کشورهای نواستقلال از پشتیبانی اتحاد شوروی است، اذتاء کرد. فیلد کلمترو همکاری همه‌جانبه کشورهای عضو جنبش غیرمتصدای با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را بمتابه رقیبه اطمینان‌بخش بیروزی در مبارزه این کشورها علیه امپریالیسم و بخاطر استحکام مبنای استقلال سیاسی و اقتصادی ارزیابی کرد.

پنجمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتصدای در کلمبو تشکیل شد. این کنفرانس در شرایطی تشکیل گردید که خلق قبرمان ویتنام در یکار علیه امپریالیسم آمریکا بیروزی تاریخی کسب کرده بود. توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در لائوس و کامبوچیا عقیم مانده بود. رژیم بسیدامپریطوری هایلله سلاسی در اتیوپی و از کون‌شده و بجای آن رژیم خلقی انقلابی استقرار یافته بود. کنفرانس صلح و امنیت اروپا در هلنکی، پایتخت فنلاند، با موفقیت انجام گرفته بود و روند تسخیر زمین بر سر سیاسی اروپا و سراسر جهان تقویت یافته بود. کنفرانس جنبش غیرمتصدای در کلمبو قطنامه‌هایی در پشتیبانی از مبارزه خلق عرب فلسطین و نشانایی حق تمسین سرنوش آن و تشکیل دولت مستقل ملی فلسطین، محکوم کردن اشغال سرزمینهای کشورهای عرب از جانب اسرائیل و خواست‌آکید تخلیه این سرزمینها به تصویب رسید.

در این کنفرانس برای نخستین بار مسئله برقراری نظام نوین در روابط اقتصادی بین‌المللی، بپنومان یک پیشنهاد مدون و مشخص، مطرح گردید. کشورهای عضو جنبش غیرمتصدای در این پیشنهاد خواستار آن شدند که در این روابط تجدید نظر بنیادی بعمل آید و هرگونه سیاست استعماری و نواستعماری در این روابط طرد گردد. طرح چنین پیشنهادی در کنفرانس غیرمتصدای نشان توجه عمیق کشورهای نواستقلال به استحکام مبنای استقلال اقتصادی کشور خود و رهایی کامل آنان از وابستگیهای اقتصادی امپریالیسم جهانی و انحصارات سرمایه‌داری بود.

ششمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتصدای در سال ۱۹۷۹ (مردادماه ۱۳۵۸) در هاوانه پایتخت کوبا، تشکیل گردید. در فاصله میان کنفرانس کلمبو تا کنفرانس هاوانه، دو حادثه مهم تاریخی، در منطقه خاور نزدیک و میانه روی داد که در قاسب نیروها بضع استقلال و آزادی خلقها و به زیان امپریالیسم و ازتجاج جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، در این منطقه تحولی کیفی پدید آورد. انقلاب شکوهمند مردم ایران بیروز

شد. رژیم دیکتاتوری پهلوی وابسته به امپریالیسم آمریکا و زاندارن منطقه‌ای امپریالیسم جهانی در این منطقه واژگون گردید. امپریالیسم آمریکا بزرگترین پایگاه نظامی، سیاسی و اقتصادی خود در این منطقه را برای همیشه از دست داد. در افغانستان انقلاب دمکراتیک خلق پیروز شد و رژیم دمکراتیک در این کشور استقرار یافت. جمهوری اسلامی ایران از پیمان نظامی ستو خارج گردید و در نتیجه، این پیمان نظامی امپریالیستی فروپاشید. جمهوری اسلامی ایران به جنبش کشورهای غیرمتصدای پیوست. بیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار رژیم دمکراتیک در افغانستان موجب تقویت موثر جنبه‌های امپریالیستی کشورهای مستقل ملی در منطقه و استحکام مواضع ضد امپریالیستی جنبش کشورهای غیرمتصدای گردید.

در کنفرانس جنبش کشورهای غیر متصدای در هاوانه بار دیگر مسئله توماسی روابط اقتصادی بین‌المللی، در چارچوب مبارزه مشترک خلقها علیه امپریالیسم، استعمار و استثمار، توادگرایی و سوسیولسم و تمام اشکال سلطه بیگانه، مطرح گردید و مورد پشتیبانی کلیه کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس قرار گرفت.

همکاری کشورهای غیر متصدای با کشورهای سوسیالیستی

گسترش هر چه بیشتر روابط نزدیک و همکاری با جامعه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، بپنومان برتوان‌ترین جنبش سوسیالیستی جهان، یا کشورهای عضو جنبش غیرمتصدای، برغم توطئه‌ها و کارشکنیها و تحریکات مخالف امپریالیستی، مائوئیستی و رژیم‌های ضد خلقی وابسته به سرمایه‌داری جهانی، بیروز بروز در میان کشورهای عضو این جنبش طرفداران بیشتری پیدا میکند. هر قدر که مواضع این کشورها بر ضد امپریالیسم و در راه استحکام مبنای استقلال سیاسی و اقتصادی پیگیرتر و قاطع‌تر میشوند، گرایش به این همکاری افزایش می‌یابد. اکثریت قاطع کشورهای عضو جنبش غیرمتصدای طبق تجارب روزمره خود به این واقعیت بیش از پیش آگاه میشوند که، استقرار و استحکام سیستم جهانی سوسیالیسم، افزایش توان اقتصادی و نظامی و نفوذ سیاسی آن، میدان فعالیت امپریالیسم جهانی را در عرصه بین‌المللی، و در همه زمینه‌ها تنگتر می‌سازد و برای بیروزی کشور- های نواستقلال و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی امکانات بیشتری فراهم میکند.

امپریالیسم و ازتجاج جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، به روشنی درک میکند که روابط استوار و همکاریهای نزدیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای نواستقلال با جامعه کشورهای سوسیالیستی به استحکام جبهه ضد امپریالیستی جهانی مساعدت می‌کند و به همین علت دشمنان جنبش غیرمتصدای، با تمام نیرو تلاش دارند که این روابط را تیره کنند.

گسترش جنبش غیرمتصدای و استواری و قابلیت اکثریت کشورهای عضو این جنبش در مبارزه علیه امپریالیسم و هرگونه مظاهر استعمار و کوشش آنان برای برقراری روابط نزدیک با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی، این پیش- بینی دایمانه‌تین بزرگ را تأیید میکند که: «خالقی زیر ست در مستعمرات در قویخ رشد و تکامل انقلاب جهانی، مبارزه انقلابی و جنبش انقلابی نقش بزرگی ایفا خواهند کرد و در این مبارزه با مبارزه ما جریان مشترکی را علیه امپریالیسم بین‌المللی تشکیل خواهند داد.»

هفتمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتصدای با شرکت وزیران امور خارجه این کشورها در دهلی‌نوف، مرحله مهمی در تاریخ پیشرفت اهداف کشورهای غیرمتصدای و بیروزیهای جدید آنان در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و بخاطر حفظ و استحکام استقلال ملی است.

در آستانه برگرادی این کنفرانس، سازمان آزادی‌بخش فلسطین، بپنومان عضو کامل این جنبش، پذیرفته شد و در این کنفرانس شرکت دارد. علاوه بر این، تعداد بیشتری از کشورهای نواستقلال، بویژه از کشورهای آمریکای لاتین در این کنفرانس شرکت دارند و این خود نشان آنستکه جنبش کشورهای غیرمتصدای، با استحکام اتحاد و همبستگی میان همه کشورهای عضو این جنبش، به عامل هر چه موثرتری در عرصه سیاست جهانی تبدیل میشود.

از او زندگی قبر نکرده بود که به پیشواز مرگ رفت. او همیشه میگفت: مرگ در یک حادثه اتومبیل یا در یک یستر بیماری پایانی است بر یک زندگی، اما شهادت در راه عقاید و آرمانها، شروی است برای دیگران، و من امروز می- دانم که کیخسرو رفته است، ولی کیخسروهای دیگری هستند که راهش را ادامه دهند و جایش را پر کنند. من امروز میدانم که فقط یک پسر نداشته‌ام. همه جوانانی که راه او را میروند، پسران من هستند خواه او و دیگر شهدای ما در راه حفظ شرف ملت ما ریخته شده زندگی و شهادت‌ررفین کیخسرو

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

«کنفرانس که از کشورهای مختلف جمع شدند و با هم نشستند و عقد پیمان بستند که بر ضد اسلام و مصالح اسلامی، با اسم اسلام، قیام کنند بسیاری از آنها راه ما و هم ما می‌شناسیم. که در طول مدت سلطنتان یا ریاست جمهوری - شان، یا ملت‌های خوششان چه کردند و یا اسلام چه کردند، یا سوسیولسم چند هزار بودنده امام خمینی سپس به امدادهای دروغین اشخاص و گروه‌های منحرف اشاره کردند و گفتند: «دعاها زیاد است، لکن واقعیتها برخلاف ادعاهاست، زیادند، اشخاصی که از اسلام ۲۵ میزنند، لکن وقتی به عملشان رسیدگی میشود، صدر صد مخالف اسلام است. زیادند اشخاصی که از ملت و از ملیت ۲۵ میزنند، لکن وقتی به قدرت می‌رسند، برخلاف ملت و برخلاف ملیت عمل می- کنند این اختیار بود که هر دیدید از جبهه ملی بود و جزو ملی گرایان، و دیدید که با ملت ما چه کرد و اگر چنانکه قدرت‌های شاه، چسروی او را تکرر بود، چه میکند»

سرمایه‌داران...

بقیه از صفحه ۱

در اختیار مفاکاران قرار می- دادند. مصرف کننده، مرغ را ۳۲ کیلو، ۲۸ تا ۳۳ تومان از مفاکاران خریداری میکرد. ستاد بیخ اقتصادی کشور در هته گذشته، قیمت مرغ را رسا اعلام و مرغ فروش مرغ از سوی عمده‌فروشان به کتار - کندگان را ۱۷ کیلو، ۱۷ تومان تعیین کرد. کتارکنندگان هم موظف شدند که مرغ کتار را طبق قیمت تعیین شده، کیلو، ۲۱۸۸ تومان در دسترس مفاکاران قرار دهند. باین ترتیب، قیمت رسمی مرغ نیز برسی مصرف‌کننده به کیلو، ۲۳۰ تومان کاهش پیدا کرد. پندبال این اعلام قیمت، تولیدکنندگان مرغ حاضر شدند نرخ تعیین شده از طرف ستاد بیخ را بپذیرند و از توزیع مرغ خودداری کردند. خریداران مرغ، که همجا یا مفاکاران بسته مرغ فروش روبر هستند، در گفت و گو با خبرنگار تله هر دو می‌گفتند: «این وضع نامی از سودجویی سرمایه‌داران است. همیشه دولت قیمت مرغ را کم کرد، آنها از عرضه مرغ به بازار خودداری کردند. گوشت کتار گران است. مرغ هم که ارزاتر است، یا نباید بخوریم، و اگر بخوایم بخوریم، باید کیلو، ۳۵ تومان برای آن بدهیم. سرمایه‌داران برای اینکه انقلاب به‌لر رسد و منافقان حذف شود، به هر کاری دست میزنند. ما حاضریم برای بیروزی انقلاب از نان و پدرومان هم بگذریم، ولی سرمایه‌داران حاضر نیستند ذره‌ای از منافع خود بگذرند. مردم پیشنهاد می‌کردند: «دست سرمایه‌داران بزرگ هر جا در کار باشد، یا گرانی است و یا کمبود وقتی بازار در دست سرمایه‌داران بزرگ است، اعلام نرخ رسمی هم از سوی دولت تدبی را درمان نمی‌کند. همانطور که می‌بینید، سرمایه- دارها یا عدم عرضه کالای خود به بازار، کمبود بوجود می‌آورند. این مشکل وقتی حل میشود که دولت روید، تولید و توزیع کالا را در دست داشته باشد و یا دقیقاً بر آن نظارت کند»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

این قافله را...

بقیه از صفحه ۱

نقش‌فالی را در کانون اتحادجویان زورتنی میبدهد، گرفت، با جمع- آوری کمک از خود دانشجویان، کتابخانه‌های بنیاد نهاد، و در تدوین اساسنامه جیت به ثبت رسانیدن «کانون»، شرکت فعال داشت. او در یک دوره یکساله، بپنومان مشاور هیئت مدیره فعالیت میکرد و این او را در حل مسائل جامعه زورتنی، در انجمن زورتنیان، نقش بسیار فعال پرچته و تمسین‌کننده‌ای ایفا می‌کرد و از محبوبیت خاصی بین آشنایان برخوردار بود. رفیق کیخسروی در دوران

تحصیل در دانشگاه یا توده‌های آشنا شد و اندک اندک به راه آنها نیز ایمان آورد و تمام شور و انرژی و استعدادش را در خدمت پیشبرد آرمان مستقدس توده‌های نهاد. وی پس از انقلاب به حزب توده ایران پیوست و با تمام وجود جزئی از ارکان زنده، و پرخروش حزب توده‌ها شد. هنگامیکه سربازان منتقدی خدمت سال ۵۶ را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل جنایتکاران متجاوز سدامی، فراخواندند، وی جزو نخستین کسانی بود که برای دفاع از انقلاب و اجرای فراخوان حزبی، خود را معرفی کرد.

مادر شهید توده‌ای، کیخسرو مجلس ختم (برسه) رفیق شهید در سان انجمن زورتنیان تهران گفت: «کیخسرو میگفت ما متعلق به خود و قایل خود نیستیم، ما متعلق به تاریخ یک ملت رفیق- دیده‌ایم و باید شایسته ایسن وظیفه‌های که تاریخ به گردن ما نهاده است، باشیم.» «او با تمام علاقه و عشقی که به زندگی، همسر و مادر و خواهر خود داشت و با وجود علاقت زیادی که او را به زندگی پیوند میداد، با چشمی باز و آگاهانه به راهی قدم نهاد که احتمال هر نوع حادثه برای او میرفت.

مادر شهید توده‌ای، کیخسروی ۱۶ بهمن ماه، در مجلس ختم (برسه) رفیق شهید در سان انجمن زورتنیان تهران گفت: «کیخسرو میگفت ما متعلق به خود و قایل خود نیستیم، ما متعلق به تاریخ یک ملت رفیق- دیده‌ایم و باید شایسته ایسن وظیفه‌های که تاریخ به گردن ما نهاده است، باشیم.» «او با تمام علاقه و عشقی که به زندگی، همسر و مادر و خواهر خود داشت و با وجود علاقت زیادی که او را به زندگی پیوند میداد، با چشمی باز و آگاهانه به راهی قدم نهاد که احتمال هر نوع حادثه برای او میرفت.



# دهه هشتاد - دهه سرنوشتی در تاریخ

بلون داشتن تصور روشن از آنچه که در جهان می گذرد، نمی توان از مسیر آتی انقلاب ایران تصور روشنی بدست آورد.

تاریخ انسانیت وارد مرحله کیفی نوینی خواهد گردید که مشخصات عمده آن، صلح پایدار، دوستی خلقها و پایان بهره کشی است. چندی پیش در مصاحبه ای با ژنرال چهارستاره هیک، فرمانده سابق "ناتو" و وزیر خارجه کنونی ژنرال ریگان، از وی پرسیدند که وضع را چگونه می بیند؟ هیک در کمیسیون خارجه سنا گفت که تحول تناسب نیروها بین "شرق و غرب" طوری است که اگر چند سال دیگر ادامه یابد، سیاست غرب فلج خواهد شد. روشن است که آقای ژنرال چهارستاره نماینده "مجتمع نظامی - صنعتی" آمریکا، از این سخن یک منظور اساسی را دنبال می کند و آن اینکه: پس باید آمریکا و اروپای غربی و ژاپن چهار اسبه در جاده "تسلیمات دم - افزون" بنایند و بر حریف برتری یابند. ولی در این اظهارات هیک در کمیسیون سنا، یک اعتراف ناگزیر نیز وجود دارد و آن اینکه: امپریالیست ها نتوانستند، علی رغم تلاشهای فراوان از سیر مستمر تحول انقلابی جهان جلوگیری کنند. اصرار آنها درباره آن که باید "وضع موجود" (Status Quo) در جهان حفظ شود، بجای نرسید. پاسخ کشورهای سوسیالیستی روشن بود: احدی حق ندارد و نیز نمی تواند جلوی سیر غران تکامل تاریخی

را به روشنی دریابیم. امام خمینی در یکی از آخرین سخنان خود به درستی می گویند: "ما باید همه کوشش کنیم که امید ایجاد کنیم در ملت. ولی "فاطمه - ح" این عضو خاندان لیبرال ها، درست برخلاف خواست امام خمینی، درباره "انقلاب آبیاس رقم می زند، تمام رفاوردهای گرانقدر انقلاب بزرگ و شکوهمند ۲۲ بهمن را نادیده می گیرد و چنان منظره تاریک و یاس آلود و هولناکی از انقلاب ترسیم می کند، که گویی لشکر جزار خول بر این کشور تاخت آورده اند. "فاطمه - ح" می نویسد:

انقلاب را چگونه تحمل کنیم؟ "اختناق هست، سانسور هست، ظلم هست، بی عدالتی هست، ندانم کاری هست، تنظیم و توزیع کارها بر اساس روابط و نه ضوابط هست، نفوذ خائنین شناخته شده راست و چپ هست، فشار هست، تبعیض هست، اختلاف هست، امنیت نیست. سپس مظلوم تمامی می کند که: "اگر مرامی گناه و به جرم اعتراض به ظلم بگیرند و بی مجوز زندانی کنند، دادمان را کسی نمی شنود، و اگر آزادمان کنند، جرات شکایت و تعقیب نداریم. ای امام، خدا را به شهادت می گیرم که دلم خون انقلاب و اسلام است." فاطمه - ح برای آن که منظره "موحشی را که خود ساخته است تکمیل کند، می نویسد:

"چهره ها دیگر نه لبخند مهر و اتفاق، که اخم کینه و سو ظن دارند، در چشم ها دیگر نه نور وحدت و تفاهم، که برق خشم و نومیدی است." امام خمینی در خطاب به ارباب مطبوعات گفته اند:

"انتقاد صحیح باید بشود. و برخلاف دعوی "فاطمه - ح" چنین نیست که "منقذ" بی غرض پاداشش زندان باشد. اما آبانام این لجن پراکنی ها را می توان "انتقاد ویا اعتراض به ظلم" گذاشت؟ اگر چنین باشد، باید ببینیم که بی غرض ترین "اعتراض کنندگان به ظلم" رادیوهای ضد انقلابی "بی بی سی و صدای -

ما وارد سال ۱۹۸۱ شده ایم. دهه نهم قرن بیستم دیگر آغاز شده و مقدر است که این دهه، به دهه "سرنوشتی تاریخ بدل شود. امپریالیسم (سرمایه داری بزرگ انحصاری دولتی) که سرکسوده آن امپریالیسم هار آمریکا است، بهمراه پکن (که حساب های "شاورتی بازی" عجیبی را به سود سیطره "جهانی خود دنبال می کند!) می خواهند سیر تاریخ را در مجرای دلخواه خود بچکنند.

بنا به عقیده آنها، رویداد - های که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در ۱۹۱۷ شروع شده، خطای تاریخ است: به عقیده آنها عدم کامیابی هیتلر و متحدان آشکار و نهانش در شرق و غرب برای محو نتایج انقلاب ۱۹۱۷، شمره یک سلسله اشتباهات پیش بینی پذیر بوده است. هیتلر "حماقت" کرده است. به عقیده آنها ادعای آنکه تاریخ دارای یک مسیر پیش رونده است، ادمای غلطی است.

سرمایه داری و همه نیروهای مرتجع جهان هنوز بسیار بسیار اهدوارند و چشم به راه روزی هستند که همانطور که میجر آلن سفیر اسبق آمریکا در ایران هوس داشت - پرچم ستاره و نوار بر فراز کرملین براه تراز در آید!

ولی بنا به جاسه شناسی علمی، طی دو دهه آینده - با تکیه به آنچه که در هشت دهه اول قرن بیستم گذشته - تناسب نیروی اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی چنان به سود نیروهای انقلابی جهان دست - خوش دگرگونی قاطع خواهد شد، که

سد بکشد. نیرو و خرد خلقها از زور و نیرنگ ستمگران خلقها بالاتر است. تصور سیاستمداران سرمایه داری، که به این زاینده گی تاریخی جنبش خلقها باور ندارند، همیشه طیفی قرصهای ۱۹ و ۲۰ آن بوده و کماکان هست که، فلان ناکامی ناشی از فلان اشتباه محاسبه بوده. مثلا اخیرا "در سیا" خانه تکانی مفصلی می شود. دریا سالار ستانفیلد ترنر، رئیس "سیا" که کارتر او را با سلام و صلوات آورده بود، متهم می شود که به نوعی "جنون کومه پوتری" دچار بود و نقش کینه و مطنش "تحلیل سیاسی" را ناچیز گرفته بود. اکنون جاسوس پیر فریبی به نام ویلیام کی سی رئیس "سیا" می شود که از هواداران پروپا قرص "تحلیل سیاسی" است! "تحلیل سیاسی" آقایان به کجا می رسد؟ به اینجا که باید حتما و حتما "سود حداکثر شرکت های چند ملیتی، که در آنها آمریکا "سهم شری" دارد، رو به فروزی برود. در پشت جلد شماره ۱۹ مجله آمریکایی "تایم" تصویر جالبی است از دلار به صورت یک دیوار در حال فرو ریختن که با انواع شمع و طناب عجلتا سر پا نگاه داشته شده و وظیفه ریگان آنست که این دیوار تمام ویران تعمیر نماید و تعمیر کند. اما اعتراف دارد که مثلا نرخ روز - افزون تورم را (که گاه تا ۱۳٪ در سال

های سرنوشتی برای انسانیت است و ما بی تزلزل بر آنیم که این دهه ها به سیطره "پول بر فضایل اخلاقی و علمی و معنوی خاتمه خواهد داد و گوساله پرستی سامریان عصر اتم را به زباله دان تاریخ خواهد فرستاد.

ایران ما از کانون های سوزان این سیر پر تب، ولی افتخار آمیز است. ای چه بسا امپریالیسم بتواند در این کشور فسادها و فتنه های سرکش آلود برپا کند! کدام تحول انقلابی در جهان از این مصائب تضمین شده است. ولی ایران به زنجیرهای اسارت امپریالیسم - بر - کردگی آمریکا، بازگشتی نیست و این ریگان ها، بختیارها، اوپسی ها و صدامها نیستند که آینده این کشور را معین خواهند کرد.

برخی از عناصر کوتاه بین، که علاقه آنها به "شبهه" زندگی آمریکایی از دلبستگی آنها به تکامل تاریخ مبهشتان زیادتر است، با بزرگ کردن این یا آن واقعه گذرا و توصیف فاجعه آمیز از وضع، کم کم کار را به مدح و شای دوران تنگن پهلوی کشیده اند!

به آنها که حسن نیتی دارند می گوئیم: از یک واقعه شروع نکنید برای آنکه تاریخ جهان معاصر را بفهمید. از تاریخ جهان معاصر شروع کنید. برای آنکه فلان واقعه را در چارچوب واقعی آن قرار دهید. از خود متشا نگیرید. برای آنکه حرکت جامعه را بفهمید. از حرکت مستقل جامعه شروع کنید. برای آنکه جای خود را تشخیص دهید.

این دوروش، یکی روش خود - خواهانه لیبرالی است و دیگری روش فداکارانه انقلابی. انتخاب با شماست!

اما هیچک از مواضع سیاسی واجتماعی و اقتصادی شان شباهتی به مواضع امام خمینی ندارد؟ امام خمینی یاقلمی سرشار از نفرت و کینه مقدس نسبت به ام القیاس دهر دشمن اصلی خلقها - امپریالیسم آمریکایی گویند:

"تا زنده ایم نخواهیم گذاشت، هستی ما با کام آمریکا برود." اما لیبرال ها معتقدند که آمریکا انقلاب ایران را تائید کرد و موطئه های آمریکا را علیه انقلاب ایران "فرهی" می دانند و همین جهت با بزرگنمایی ملاقات محرمانه می کنند. امام خمینی در جای دیگر به مناسبتی دیگر می گویند:

"ما الان در اول قدم هستیم و باید کوشش کنیم و همه ما کوشش کنیم، همه ملت کوشش کنند، هر کسی در هر جا که هست کوشش کند و کوشش اش این باشد که ما پایدار و بستم نباشیم." لیبرال ها درست برخلاف گفته امام خمینی تاکید می کنند که:

"چون وابسته بودیم، باید وابسته بمانیم." امام خمینی معتقدند که:

"این اشغال لانه جاسوسی یک جنبه سیاسی داشت، یک ارزش سیاسی داشت، که همه ارزشها پیش آن کوچک اند." و لیبرال ها می نویسند:

"جریان گروگان گیری ... بر - انگیزختن احساسات عمومی جهان، بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی است." امام خمینی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را دانشجویان مسلمان و مبارزی می دانند که "با عمل انقلابی خودشان ضربه ای بر پیکر آمریکای جهان خواروار دآورند و دولت را سرفراز گردانند."

اما لیبرال ها در مخالفت آشکارا این ارزیابی درست امام خمینی، دانشجویان را در خط شیطان خوانندند. امام خمینی اشغال جاسوخانه آمریکا را "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" نام گذارندند و لیبرال ها مدعی شدند که:

"گروگان گرفتن ۵۲ آمریکایی ... مبارزه اصولی و بی امانی را که علیه امپریالیسم پی ریزی می شد، به انحراف

## گستاخی لیبرال ها

لیبرال ها تمام سیاستشان ضد خط امام است، ولی باز مدعیند که در خط امام اند!

امریکا، "بنداد" و "بختیار" و "اویسی" هستند، که روز و شب از بلندگوهای خود، دروغ و اتهام و دشنام نثار انقلاب ما می کنند. امام خمینی می گویند:

"مطبوعات باید از مسائل مضربه وحدت جامعه احتراز کنند." و این "فاطمه - ح" هر چه در نامه خود تلم زده، در داستان تفرقه افکنی، دوغیت و گرومگرایی است. عجیب که این همه مدعی است:

"اما ای امام، من در خط توام!" آيا خط امام خمینی یک مفهوم مجرد است که هر کس در لفظ مدعی پیروی از آن شود و در عمل عکس آن گام بر دارد؟ چگونه است که لیبرال ها با قسم و آیه خود را پیرو خط امام می دانند



کشید." امام خمینی می گویند:

"تضعیف نکنید دولت را، تضعیف نکنید اشخاصی که خدمتگزار هستند." اما لیبرال ها میان مسئولان جمهوری اسلامی و طاغوتیان دولت مدار نظام منغور گذشته علامت تساوی می گذارند و با قلم "فاطمه - ح" می نویسند:

"ای امام!" این نودولتان را بر سر جای خودشان نشان که فقط دو سال است از شر آن مستکبران قدرتمند رها شده ایم. امام خمینی می گویند:

"اگر بخواهید که کشورتان مستقل باشد، اگر بخواهید که کشورتان روی پای خودش بایستد و بخواهید آزاد باشید، باید از این طور مناقشات دست بردارید و همه نظر حسن بکنید و برادروار همه کمک بکنید تا این کشور به مقصد خودش برسد."

اما لیبرال ها دعوت امام خمینی را به حفظ آرامش و همکاری که با توجه به حساسیت شرایط است ناشنیده می گردند و بمتابه "جاده صاف کن ضد - انقلاب"، زهرپوشی "اعتراض به ظلم" به کل انقلاب می تازند و هر کس و هر چیز را که برخلاف منافع خود تشخیص دهند، به باد حمله و دشنام و اتهام می گیرند.

امام خمینی می گویند:

"درصدد نشاید که این گروه، آن گروه را عقب بزنند و آن گروه، این گروه را ..."

اما لیبرال ها فکر و ذکر هم و غم شان اینست که به بهانه "عدم تخصص" و "سوء استفاده از تراسی ها"، کبردها تناقض و اشتباهات، مسلمانان انقلابی را به درون خانه ها و مساجد بفرستند و خود برمسند قدرت دولتی جای گیرند.

امام خمینی می گویند:

"بالاترین گرفتاری ما حب جاه است. و حب جاه و مقام و مهم تراز همه تا مین منافع طبقاتی، چنان لیبرال ها را از خود بی خود ساخته، که با تمام توان برای مسخ انقلاب و برقراری دولت "میانرو"ی خود می کوشند. آنان را پاکی نیست که در گرویدار این مناقشات بقیه در صفحه ۶



کارگران معدن سرب تغلک (انارک - نائین):

# ما حاضریم دست به هر گونه فداکاری در راه انقلاب بزنیم

باید از امکانات شهرک انارک کمال استفاده بعمل آید

شهرک کارگری "انارک" در حدود ۹۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان نائین قرار دارد. بخش انارک در ناحیه خشک نیمه - صحرائی حاشیه کویر واقع است. "معدن سرب تغلک بزرگترین محل کارگاهی این منطقه است که کارگران بسیاری از نواحی اطراف، حتی از جاهای دور دست، از قبیل "چوپانان"، "جندق"، "فوخ"، "ایراج" و "خور" از نواحی خور و بیابانک به آنجا آمده اند و در حال حاضر مشغول کارند.

شهرک انارک حدود ۵ هزار نفر جمعیت دارد. بیشتر مردان روستا در طول هفته برای کار در محل "معدن تغلک" بسر می نهند و تنها در روزهای تعطیل برای دیدار خانواده های خود به انارک می روند.

سرب، در حال استخراج و دولتی - معدن "تال سی" در بیست و چهار کیلومتری انارک (معدن مس و رانیوم، متروک) توده زحمتکش این منطقه بحق انتظار دارند که دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران، برای بکار گرفتن نیروی بیکار آنان و همچنین حرکت در آوردن هر چه بیشتر چرخهای اقتصاد کشور، اقدام به استخراج و تولید تعدادی از این معادن کنند. یکی از جوانان انارکی بنام احمد، که بطور موقت در معدن تغلک مشغول بکار شده - است، می گوید:

"تنها در شهرک انارک دهها دختر و پسر جوان دبیلمه و بالاتر هستند، که بیکارند." او اضافه کرد که:

"ما حاضریم دست به هر گونه فداکاری در راه انقلاب بزنیم، ولی متقابلاً از دولت انقلاب انتظار داریم که مشکلاتمان را، که بزرگترین آنها بیکاری است، بتدریج حل کند."

زنهای منطقه انارک عموماً به کارخانه های مشغولند و در کنار رقابلی نزمی یافتند.



در حال استخراج سرب هستند - شاید گلوله ای شود بر قلب امپریالیسم آمریکا

قالی ها بی که در این منطقه یافت می شود، از نوع قالی های مغرب نائینی است. ولی اغلب قالی - با فایر سرمایه ای از خود ندارند

و ناچارند، برای اینکه کمکی برای مردان خود باشند، برای سرمایه داران "قالی بیافند". اگر بعضی از آنها بتوانند سرمایه اندکی فراهم کنند و قالی بیافند یا دست آخردچار همان سرمایه داران و تجار قالی خواهند شد. تنها با ایجاد شرکتهای تعاونی تولید و فروش فرش می توان از این قشر صنعتگران زحمتکش روستایی و شهری حمایت کرد. بعد از انقلاب، به خواست اهالی و به همت شورای محلی، قسمتی از بیابان لم یزرع (غیر قابل کشت) اطراف، که قبلاً توسط چند نفر زمینخوا خرید و فروش می شد، پلاک بندی شده و به هر خانه نواده بدون مسکن یک پلاک داده شده است.

همچنین نیروگاه شبانه - روزی برق انارک تمام و افتتاح شده است. تعدادی از جوانان قداکار نیز بوسیله شرکت در جهاد سازندگی، اقدام به آبادانی و تعمیر "واحه" های زراعتی محل کرده اند.

معدن سرب تغلک بزرگترین معدن در حال استخراج این منطقه است که حدود شصت نفر کارگر در آن مشغول بکار هستند. معدن در صورت توسعه، گنجایش اشتغال بکار بیش از هزار نفر کارگر را دارد.

در هوای خشک و نامطبوع "معدن سرب تغلک"، کارگران با چهره های استخوانی سوخته و با شوری ستودنی تلاش می کنند، تا از عمق دو بیست متری زمین، مقداری سرب بدست آورند، تا شاید گلوله ای بشود، بر قلب امپریالیسم آمریکا - دشمن اصلی مردم ایران و تمام مستضعفین روی زمین.

## اغلب کارگران بی سوادند و «بسیج» هم ندارند

با اینکه حدود نود درصد از



ما حاضریم دست به هر گونه فداکاری در راه انقلاب بزنیم

کارگران شاغل بکار در معدن تغلک بی سوادند، هنوز هیچگونه اقدامی برای تشکیل کلاس های سوادآموزی کارگران انجام نگرفته است. همچنین با اینکه بیشتر کارگران شوقاً موختن فنون نظامی را دارند، ولی کلاس های "بسیج" برای آنها تشکیل نشده است. البته در شهرک انارک در سطح دانش آموزان کلاس بسیج وجود دارد، ولی با توجه به اینکه کارگران تقریباً تمام وقت خود را در محل معدن سرب تغلک می گذرانند و با توجه به اینکه طبقه کارگر ایران بزرگترین پشتیبان و حامی انقلاب است، لازم است که در محل معدن سرب تغلک نیز کلاس های بسیج و سوادآموزی ایجاد شود. یکی از کارگران با سابقه معدن، بنام عباس علی، در این خصوص می گوید:

## بیکاری با وجود امکانات کاری

در حالی که امکاناتی از قبیل معادن غنی و متروک و همچنین آموزشگاه کارآموزی تغلک وجود دارد، مدها چنان دبیلمه و مستعد این منطقه بی - کارند. در محل معدن سرب تغلک آموزشگاهی با امکانات و وسایل آموزشی کافی وجود دارد، که قبلاً هر سال ده ها تکنسین معدن در آن تربیت می شدند. ولی این مرکز پس از انقلاب به علت سهل انگاری مسئولان امروز عدم تأمین بودجه آن، به تعطیلی گشایده شده است.

همچنین در اطراف انارک، معادن سیار غنی و دست نخورده ای وجود دارد، که در صورت شروع به استخراج آنها، هم بخشی از نیروی بیکار منطقه بکار گرفته می شود، هم احتیاجات صنعتی کشور از لحاظ بسیاری از مواد خام و اولیه برآورده خواهد شد. تعدادی از معادن این منطقه عبارتند از:

- ۱- معدن "پیوک" در دو کیلومتری انارک. (معدن قلع، حدود سی سال است که متروک است.)
- ۲- معدن "کمال کافی" در پنجاه کیلومتری انارک (معدن طلای زرد که معدنی است غنی و حدود سی سال متروک بوده است)
- ۳- معدن "خونی" در پنجاه کیلومتری انارک (طلای زرد، متروک)
- ۴- معدن "سیاه کوه" در هفتاد و پنج کیلومتری انارک (معدن سرب، خصوصی و در حال استخراج و قابل توسعه)
- ۵- معدن "تخلک" در چهل و پنج کیلومتری انارک. (معدن

انکارنه انارک که این دستور اما است که با یدتها میسوادها با سوادشوند و همه فنون نظامی را فراگیرند. ولی با همه اینها، بقول اما خمینی، این انقلاب، انقلاب زاغه نشینان بر علیه مستکبرین است. پس ما که مستضعفتر از خود نمی شناسیم، باید پای جان از این انقلاب حمایت و پشتیبانی کنیم." او از خاطرات گذشته خود می گوید:

در زمان طاغوت به خواست و تلاش کارگران، چند روزی به کارگران شیرا دادند، ولی زود قطع کردند. وقتی کارگران اعتراض کردند، مسئول اداره کاروا موراجتماعی آن زمان اصفهان به محل معدن آمد و گفت: "چون شما در معدن سرب کار می کنید، اگر شیر بخورید خیلی زود می میرید!" او با تاکید کرد:

"ما میدوایم که در جمهوری اسلامی دیگر هرگز این گونه افراد در پارس کارها قرار نگیرند."

## کارگران کارخانه نساجی سمنان:

# عراق بدستور آمریکا به ایران حمله کرده است. ما سرانجام پیروزی شویم

خانه سالن غذا خوری داشته باشد؟ یا نم به یا وعده می دهند، اما سهل نگاریها وجود دارد. در این کارخانه از وجود کودکانی که باید در چنین سنی به تحصیل بپردازند، و بیاموزند، برای سودجویی بیشتر، استفاده می کنند.

از کارگران در کارخانه ها و کارگاهها با بدجلوبیری به عمل آید و شرایط لازم جهت تحصیل و تفریح کودکان فراهم شود. همچنین باید کارفرماهایی را که از کودکان در کارخانه استفاده می کنند، مورد بازخواست و مجازات قرار داد.

محلی نیز برای ناهار - خوری با ید ایجاد شود تا کارگران بتوانند هنگام غذا خوردن از محیط ناسالم و غیر بهداشتی کارخانه در امان باشند.

دست ها بمان در تماس با روغن و قطعات دستگا ههاست. بعد از پایان کار با بدیدنمان را بشوئیم. ولی در طول ماه فقط یک قالب ما بون برای شستو می دهند و این املا برای کارگران کافی نیست."

## از کارگران نظرخواهی نمی کنند

کارگرد دیگری گفت: "برای رسیدگی به وضع کارگران و رفع مشکلاتشان، خود کارگران می توانند پیشنهاد های خوبی بدهند. ولی از کارگران نظرخواهی نمی کنند. با بالرفتن قیمت ها، دستمزد ما املانمی تواند جوابگوی هزینه زندگی باشد. مگر ما نباید زندگی کنیم؟ مگر خانه نواده ما نباید از حداقل شرایط زندگی برخوردار باشند؟"

تا مین وسایل و امکانات بهداشتی برای حفظ سلامتی کارگران ضروری است. ساعتها کار در محیطی غیر بهداشتی، بدون داشتن وسایل بهداشتی برای محافظت خود از گردوغبار ناشی از کار، می تواند بیخطر جدی جان کارگران را تهدید کند. باید برای کارگران وسایل بهداشتی، چون ماسک و تهویه تهیه شود.

## بهره کشی از کودکان در کارخانه

کارگرد دیگری، در حالیکه از کارگران در کارخانه گلگه داشته گفت:

"در کارخانه هنوز از وجود کودکان استفاده می شود. باید از کار این کودکان جلوگیری کرد. وی در ادامه سخنان خود گفت:

"کارگران به علت نداشتن ناهار خوری مجبورند در حالیکه پشت دستگا هها ایستاده اند و کار می کنند، ناهار خود را در همانجا بخورند، چرا نباید کار -

با سقوط رژیم طاغوت، وظایف گوناگونی به انقلاب محول شد. از عمده ترین این وظایف تا مین خواست های زحمتکشان میهنمان برای ایجاد زندگی بهتر بود. وظیفه ای که هنوز گام های مهم قابل لمس آن در راه است. اقدامها در شعرا نمی توانند خلاصه شود. باقی ماندن در شعرا و عدم اجرای طرحها تنها می تواند در جهت نارضایتی کارگران و در نتیجه تضعیف انقلاب باشد. باید با حل مشکلات کارگران و تأمین خواست هایشان، پایه های انقلاب را هر چه مستحکم تر ساخت و از نیروی عظیم آنها برای پیش برد اهداف انقلاب یاری گرفت.

کارگران نساجی سمنان نیز گروهی از کارگران میهنمان هستند که با پیروزی انقلاب، امید به تحقق خواسته های خود دارند. خواست ها یی که تاکنون برآورده نشده است. با اینحال این کارگران هنوز به انقلاب امیدوارند و حاضرند از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع کنند.

## مشکلات کارگران و خواستها

از مشکلات کارگران کارخانه نساجی سمنان مسائل صنفی آنهاست. مشکلی که پس از دو سال هنوز لاینحل باقی مانده است. برای آشنایی بیشتر با مشکلات کارگران، با چند نفر از آنها به گفتگو نشستیم. یکی از کارگران گفت:

"فضای کارخانه، جا نیکه دستگا ه های با فندگی و روپسندگی و خلاصی قرار دارند، برآزگرد و خاک و ذرات پنبه است در نتیجه کارگران، برای کار، احتیاج به فضای سالم و وسایل بهداشتی دارند. در حالیکه تعداد کمی از کارگران از این امکانات برخوردار هستند. باید برای تمام کارگران این امکانات فراهم شود. در مدتی که پشت دستگا هها کار می کنیم،

## نظر کارگران درباره جنگ

کارگران درباره جنگ گفتند:

"یک روز از حقوق خود را به امر جنگ اختصاص داده ایم، تا به رزمندگان جبهه جنگ کمک کرده باشیم. برای اینکه در آمادگی رزمی باشیم، کارگران آموزش اسلحه می بینند. عده ای از کارگران هم به جبهه رفته اند."

کارگرد دیگری گفت:

"مدا حسین با همکاری آمریکا به ایران حمله کرده است. آنها انتظار داشتند، که در دو روز اول جنگ پیروز شوند. ولی امروز توده های قهرمان میهن ما نشان دادند که می توانند تاج و زگران را شکست دهند. ما بالاخره پیروزی شویم."



### فتو دال ها از نفوذ انقلاب به منطقه جیرفت جلو گیری می کنند

تاکنون عده ای از پاسداران و مسئولین محلی توسط فتو دال ها کشته شده اند.

املاحات ارضی می گفت: "اگر بجای هیئت ۷ نفری، هیئت ۷۰ نفری هم به جیرفت بیاید، فردای آنروز یا باخوشی و یا به زور آنرا برمی گردانند." وظیفه مسئولان است که این پیشنهادی را رد کرده و ثابت نمایند که می توان بر بزرگ مالکی غلبه کرد.

بعد از شروع جنگ تحمیلی، مشکلات و بخصوص مسئله کمبود مواد معدنی، افزایش یافته است. در نتیجه ضدا انقلاب فرصت یافته است که دست به تبلیغات انجام کسبخته ای علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بزند. در ارتباط با مشکلات منطقه، باید از پذیرایی آوارگان جنگ نیز نام برد. در منطقه جیرفت، ۶ هزار نفر خوزستانی در اردوی مخومی جای دارند. در این اردو قریب ۸۰ چادر به مدرسه اختصاص داده شده است و ۱۲۰۰ نفر دانش آموز در آنها تحصیل می کنند.

با توجه به تمامی این مسائل و مشکلات، مسئولان انقلابی می بایستی با اجرای طرحهای ضربتی در مورد مبارزه با فتو دال ها و مزدوران آنها در منطقه و اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و نیز، با برنامهریزی صحیح برای رفع مشکلات متعدد معیشتی مردم منطقه و گسترش انقلاب در این ناحیه را تضمین کنند و اطمینان و ایمان مردم را هر چه بیشتر به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جلب کنند.

در اجرای تمام این برنامه ها می توان و باید به نیروی مردم انقلابی منطقه تکیه کرد. انقلاب باید در این منطقه نفوذ کند و شمرا تارزمنند خود را برای مردم محروم و زحمتکش منطقه بیار آورد.

شهرستان جیرفت با جمعیتی حدود ۲۰۰ هزار نفر و متشکل از چهار بخش (جیرفت، کهنوج، ساردوئیه، جبال بارز) درگیر مشکلات فراوانی است، که عمده آنها عبارتند از: سلطه فتو دال ها بر منطقه، بی زمین بودن اکثریت سکنه، کمبود خوراک، بوشا که بهداشت و سواد در میان اهالی، سرمایه گذاریها و طرح های عمرانی که در سالهای قبل از انقلاب، توسط مزدوران رژیم شاه ملعون صورت میگرفت بطور عمده در جهت غارت بیشتر و بی دردسرترا این سرزمین و استثمار وحشیانه مردم جیرفت بود و هیچگونه نفعی برای اهالی محروم در بر نداشت. پس از انقلاب شکوهمند مردم ایران، در وضع بزرگ مالکی در این سرزمین هنوز تغییر محسوسی بوجود نیامده است. مباحثین خانهای سابق در کنار فتو دال های دیگر همچنان به چپاول مردم مشغولند. خوانین تقریباً همگی مسلح اند و هر کدام چند تفنگچی در خدمت خود دارند. تنها ساختمانهای خود که از اموال غارتگران صادره شده، عمارتی است که متعلق به خرم معدوم (شریک غلامرضا پهلوی) و سرمایه های مربوط به آن بود. خانه ها و تفنگداران آنها از فعالیت سیاه پاسداران انقلاب نیز جلوگیری میکنند و به آنها مختلف در کلر این نهاد انقلابی کارکنی میکنند. حتی چند نفر از پاسداران و نیز رئیس آموزش و پرورش و چند نفر از مسئولین غیر محلی تاکنون بدست این اعمال چنایتکار بزرگ مالکان کشته شده اند. به دلیل همین نفوذ و بقای جو عدم اعتماد است که یکی از کسبه در مورد

### سازمان حزب توده ایران - شهرستان سندج طی نامه ای مسرت خود را از تشکیل هیئت هفت نفری اعلام کرد

دنیال ابراز امیدواری نسبت به فعالیت پرثمر هیئت مادگی خود را برای همه گونه همکاری اعلام میدارند. سازمان حزب توده ایران در سندج، در نامه خود، پیوندنا گسستی بین حل کامل مسئله ارضی در کردستان و حل مسئله ملی را خاطر نشان می سازد و می نویسد:

"تا زمانی که خواست های بحق مردم کردستان در زمینه مسئله ملی برآورده نشده است، ضدا انقلاب وسیله مناسبی برای تبلیغات در دست دارد و با عمده کردن این مسئله اذهان روستائیان را بخود مشغول می کند، حضور مسلح خود را در روستاها توجیه می کند و وقتی روستاها ناامن شد، امکان اجرای طرح واگذاری زمین از بین میرود." در این نامه سپس اضافه میشود:

"لذا ما برای عقیده ای که با اجرای مفاد پیمان تاریخی ۱۴۶۶ تا ۱۴۸۸ و رفع ستم ملی از مردم کردستان و بحساب آوردن آنان در اداره امور خود گروه های مسلح راضع سلاح سیاسی نموده و به دنبال آن زمینه برای طرح واگذاری زمین و ریشه کن کردن بزرگ مالکی فراهم می گردد. اما در همین شرایط فعلی هم هرگونه اقدام به نفع کشاورزان و در نقاطی که در اختیار نیروهای انقلاب است، باعث وارد آوردن ضربه پر ضدا انقلاب و جذب مردم بسوی انقلاب میگردد.

منتهی در اجرای طرح واگذاری و احیای زمین باید به دو نکته اساسی توجه فرمائید که قطعاً خود توجه دارید: نکته اول اینکه این روزها تراش تبلیغات عوامل فتو دال ها و سرمایه داران سعی میشود طرح واگذاری زمین را "غیر اسلامی" بنا مند و از اجرای آن جلوگیری کنند. خوشبختانه تا کنون مکرراً ما و آبیات عظام منتظری، بهشتی و مشکینی، اجراء طرح مورد تائید و تمویب واقع شده و نقشه های طرفداران ابقای بزرگ مالکی خنثی گردید. این مسئله که بنده "ج" از طرح مذکور از طرف دولت جمهوری اسلامی به علت شرایط جنگی مسکوت گذاشته شده، باعث میشود که فتو دال ها تبلیغاتی به راه اندازند و اینطور وانمود کنند که املا طرح متوقف شده است. در این مورد باید به اطلاعستان برسایم که اگر ما لکن منطقه کردستان غاصب هستند و مشمول بند "ب" میشوند و میباید گوش به تبلیغات آنها بدهید، چون منطقه کردستان منطقه بسیار حساسی است و ضدا انقلاب روی باقی ماندن بزرگ مالکی و اینکه دولت در این زمینه

حزب توده ایران - سازمان شهرستان سندج، طی نامه ای به هیئت هفت نفری واگذاری و احیای اراضی و تشکیل این هیئت در سندج را گامی مهم در راه تمهیدات انقلاب شکوهمند ایران دانست. این سازمان ضمن بررسی وضع زمین و کشاورزان در سندج و اطراف آن، آمادگی خود را جهت کمک به این امر و هرگونه همکاری اعلام داشته است. در ابتدای این نامه خطاب به هیئت مذکور، پس از ابراز خوشحالی از تشکیل هیئت، آمده است:

"حزب توده ایران سالهای سال برای حل مسئله ارضی در ایران بطور خستگی ناپذیر مبارزه نموده است. اکنون که به برکت انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی، امکانی برای حل مسئله ارضی و اعاده حقوق از دست رفته کشاورزان بی زمین و کم زمین فراهم آمده است، مطالبی را در باره حل مسئله ارضی در کردستان به اطلاع میرسانیم. با شدت بهمت و آلا یا عضای آن هیئت محترم، موفقیت های بزرگی برای انقلاب ما در زمینه ارضی در کردستان بدست آید. ما در راه تحقق این امر آماده هرگونه همکاری و فداکاری می باشیم."

سازمان حزب توده ایران - شهرستان سندج - در ادامه نامه خود، مشکلاتی را که بر سر راه هیئت واگذاری زمین در منطقه کردستان وجود دارد، بر شمرده و طریق رفع آنها را ارائه کرده است. در این باره آمده است: "... در وضعیت فعلی هنوز بزرگ مالکی در کردستان باقی است. اکنون وظیفه بسیار سنگینی بر عهده شما هیئت محترم قرار دارد. ما به جزء جزء مشکلاتی که بر سر راهتان قرار دارد، واقفیم. ما میدانیم که در هر قدمی که شما بردارید، نیروهایتان مورد تهدید ضد انقلابیون است. ما میدانیم روستاهای کردستان در مجموع امن نیستند. ما میدانیم که سازشکاران لیبرال از بالا بر شما فشار می آورند، تا در مورد اجرای طرح واگذاری زمین تن به عقب نشینی دهید. ما میدانیم که مالکین در روستاها به توطئه مشغول هستند و با گرد آوردن قایل ها بدور خود و تهدید و تنظیم مردم، وانمود میکنند که یک کشاورز عادی هستند. ما میدانیم که جوانان منطقه کردستان، که میبایست کمک شما و همراه شما باشند، اکنون تعدادی از آنان فریب گروه های ضدا انقلابی کومله و قاسملورا خورده اند...."

با این همه رفقای ما به واجب ترا ز خیر آ با دهم هست. در ضمن خیلی از خوش نشین های ده صاحب زمین شدند. اینها قبلاً یا برای کارگری به اراک می رفتند یا همان نان بخور و نمیری می باخندند. مشدی حسین، یکی دیگر از اهالی خیر آباد، از انقلاب سخن میگوید: "قا، انقلاب ما را نجات داد. وضع ما خوب میشود، ما میدانیم، ولی اگر ضدا انقلاب را حسابی خفه کنیم، اوها اول از داخل شروع کردند، ما ما پیروز نشدند. بعداً زخا رج شروع کردند، ولی هیچ غلطی نمی توانند بکنند.

اقدامی نمی کند، خیلی تبلیغ کرده و میکنند و تنها راه به شکست کشاندن طرح های ضدا انقلاب اقدامات قاطع در زمینه مسئله ارضی است. نکته دوم اینکه هرگونه تغییر روی زمین خرده مالکان، باعث ناراضی آنان شده و آنها را بسوی فتو دال ها سوق می دهد. امیدواریم با درایتی که اعضاء آن هیئت دارند، به این نکته هم توجه فرمائید و کاری به زمین خرده مالک نداشته باشند. مطلب دیگر اینکه قطعه کردن زمین یک بزرگ مالک ممکن است فعلاً مورد استقبال دهقانان بی زمین و کم زمین واقع شود، اما آینده ای ندارد و در آینده با توجه به مسئله توارث و با زهم خریدن قطعات زمین بعد از فوت هر مالک، محصولی بیار نخواهد آورد. لذا تا حد امکان ایجاد تعاونی و واگذاری زمین به صورت مشاع به هر دهه یا بیست خانوار بی زمین یا کم زمین اقدام موثرتر بوده و آینده روشن تری دارد.

تقسیم زمین تنها بین خوش نشین ها و دهقانان بی زمین هم بعقیده ما موجب نا رضایی دهقانان کم زمین می شود. بجاست که سهم دهقانان کم زمین هم در نظر گرفته شود. پشتیبانی مالی دولت از دهقانان بی زمین و کم زمینی که برای اجرای طرح صاحب زمین میشوند از اهمیت فراوان برخوردار است زیرا اغلب آنان پنولی برای آباد کردن زمین ندارند.

سازمان حزب توده ایران در سندج آنگاه اطلاعات مشخص خود را در مورد روستا های منطقه کردستان شرح داده و خطاب به هیئت واگذاری زمین، در بیان نامه خود چنین نتیجه گرفته است: "با نگاهی به اطلاعات فوق میتوان به روشنی دریافت که در مناطقی که در آنها ضد انقلاب مسلح وجود ندارد، ارگانه های انقلابی توانسته اند اقدامات با ارزشی در زمینه مسئله ارضی انجام دهند. در اینجا باید توجه فرمائید که زمینها رشده موجودیت ضدا انقلاب در مناطقی که در اختیار آنان است، همین حل نشدن مسئله ملی است، که بعقیده ما پس از حل آن، مسئله ارضی نیز بطور کامل حل خواهد شد. لذا با حل مسأله امت میز مسئله کردستان با تکیه بر پیمان تاریخی ۱۴۶۶ تا ۱۴۸۸ ما خمینی، و خلق سلاح ضدا انقلاب از نظر سیاسی، زمینه برای ریشه کن کردن بزرگ مالکی و حل مسائل دهقانی فراهم میشود."

می کنند. یکی از آنها میگوید: "دیگر تعلیمات نظامی ما دارد تمام میشود. این هفته که مسئولان بسیج بیایند خیر- آ با دنگارت بسیج میگیریم. خیلی از بچه ها توی بسیج اسم نوشتند. چقدر خوب است بسیج به همه روستا ها برود." خلاصه سخن زحمتکشان این روستا چنین است: "ما از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل دسایس امپریالیسم آمریکا تا پای جان دفاع می کنیم."

اگر ما انقلاب کردیم، میدانیم چه جوری حفظش کنیم. نظر مشدی حسین را در مورد تجا و رژیم صدام به خاک جمهوری اسلامی ایران جویامی- شویم. میگوید: "هر کسی که علیه انقلاب توطئه میکند، دمش به آمریکا بسته، حا لاهر کس که میخواهد با ما صلواتی بچما قدا را آمریکا است. ما پدر چما قدا را های شاه را در آوریم، با چما قدا رهای آمریکا هم همین کار را میکنیم." جوانان خیر آباد از فعالیت و حدس سیاسی پاسداران انقلاب اسلامی اراک اظهار رضایت

**دهقانان خیر آباد اراک سخن می گویند:**  
\* اگر ما انقلاب کردیم، میدانیم چه جوری حفظش کنیم.  
\* وضع ما خوب می شود، ما می دانیم. ولی اگر ضدا انقلاب را حسابی خفه کنیم

خوب اطراف دهه را رژیم شاه دولتی اعلام کرد و در نتیجه این زمینها، که کم نبودند، بدون کشت باقی ماندند. تا اینکه انقلاب شد، بعد از آن انقلاب، که دیگر از طاغوت خبری نبود، ما (اهالی روستا) جمع شدیم و زمین ها را تقسیم کردیم. مشکل آب را هم با همکاری خود ما حل کردیم. هر ۴۰-۵۰ یا ۶۰ نفر با هم یک چاه زدیم. بی آبی را جبران کردیم. تا حالا تقریباً ده تا از این گروه ها تشکیل شده و زمین های اطراف روستا با ده تا چاهی که این گروه ها درست کردند، آبیاری میشوند. با این وضع برای تهیه آب، نه به ما فشاری وارد آمد و نه به دولت. چون دولت کارهای واجب تری دارد. روستا های

روستای خیر آباد در سی کیلومتری جاده اراک - قم قرار دارد. جمعیت این روستا حدود ۴۷۰ خانوار است. اهالی این روستا نیز چون بسیاری دیگر از روستاهای مین ما قربانی نظام پیشین وابسته به امپریالیسم هستند. ما هنگامی که از انقلاب سخن میگویند، در سخنانشان میده آینه آینه آینه آینه که بیشک از آن آنها ستانوج می زد. برای صحبت چند تن از اهالی خیر آباد می نشینیم: محمدرضا، یکی از جوانان خیر آباد میگوید: "ده ما حدود ۴۷۰ خانوار جمعیت دارد، که برای گذراندن زندگی، چاره ای جز کشاورزی نداریم. اما تمام زمین های



# چماقداران هنوز بر انقلاب می تازند...

چماقداران همچنان یکه تازند. چماق کسان، بدون هراس و تردید، به دفاتر احزاب و سازمان های سیاسی حمله می کنند، روز روشن سیاط کتابفروشیها را دردم می ریزند، شبانه به کتاب فروشیها می ریزند و آنها را آتش می زنند. وقتی هم که ماموران آتش را خاموش می کنند، باز هم برمی گردند و با مواد منفجره قوی تر، دوباره کتاب سوزان راه می اندازند. چماقداران خیلی بی پروا به تظاهرات حمله می کنند، به مساجد می ریزند و ... این اوج حملات چماقداری است، اما اصلا تازه نیست. روز بیست و دوم بهمن وارد دومین سال یکه تازی چماقداران می شویم. بله، درست است. چماقداران باندازه عمر انقلاب دوام آورده اند! البته اینها چماقداران بعد از پیروزی انقلابند، ولی حتما بیشترشان همان چماقداران قبل از انقلابند: یک روز برای دفاع از شاه ملعون قه می کشیدند و با چماق به مردم حمله میکردند. امروز برای برگرداندن رژیم مثل رژیم شاه، یا کمی ملایم تر از آن سبانه رو - مجری بخشی از نقشه های امپریالیسم آمریکا هستند. فقط پس از انقلاب، عناصر نا آگاه و فریب خورده ای هم در بین چماقداران حرفه ای بر خورده اند.

کتابفروشیها هم با موج های بی در پی حمله ضد انقلابیون روبرو بودند. البته مطابق نقشه، اول به کتابفروشیهای که کتابها و نشریات غیر مذهبی می فروختند، حمله میشد. در تمام این مدت، که نزدیک به یک سال و چندماه طول کشید، متأسفانه بیشتر نیروهای مسلمان طرفدار انقلاب، یا با بی تفاوتی یا این مسئله روبرو شدند و یا حتی به گوشه رکنایه و گاه آشکارا آنها را حمایت کردند. حزب توده ایران

**★ چماقداران ابتدا به نام «اسلام» به پیروان سوسیالیسم علمی حمله می کردند و حالا به نام «کمونیسم» به احزاب اسلامی یورش می برند.**

بکرات گفت که حملات چماقداران از نیروهای مرفی چه شروع شده، اما همین جا متوقف نخواهد شد، هدف چماقداران انقلاب است. اما بودند کسانی و روزنامه های که یا پندار مردم علیه «چپ ها» وارد عمل شدند و چماقداران را مستقیم و غیر مستقیم تأیید کردند. متأسفانه برخی از مقامات هم در عمل بر این حملات صحنه می گذاشتند. برده اول چماقداری، که در خلاصه ترین شکل، آن را بیان کردیم، صدها زخمی و کشته بجای گذاشت، خرابی مفصلی را مسبب شد و مهمتر از همه، توانست سبب نفاق و درگیری در بخشی از نیروها و تشنج و درگیری در بسیاری از نقاط شود.

برده دوم با حمله به یخش دیگری از نیروهای مسلمان آغاز شد. ابتدا به «جاما» حمله کردند. بعد به «جیش مسلمانان مبارزه» حمله بردند، که خوشبختانه در هر دو مورد، این حمله عقیم ماند. سپس در اوج تبلیغات لیبرالها علیه خط امام، به «هیزان» و «کانون ابلاغ شریعتی» حمله کردند. دیگر معلوم شد که چماقداران «مردم» نیستند و هدف آنها فقط مبارزه با «چپ» نیست، بلکه زیر نام های مختلف و پایبانه های گوناگون میخواهند نیروهای اصیل انقلابی را یکپارچه، بین آنها تفرقه ایجاد کنند، تشنج و درگیری ایجاد نمایند و پدیشان جبهه انقلاب را تضعیف کنند. عده ای هم - همین چماقداران هم - بین کسانی که مورد حمله قرار میگیرند نا آگاهانه در این دام می افتند.

خوشبختانه مقامات مسئول این بار توجه جدی تری به چماقداران کردند. امام جمعه تهران گفت: «گاهی ۱۰ نفر، ۱۵ نفر، در فلان خیابان، در فلان شهر، در فلان شهر کوچک یا بزرگ راه می افتند، یا عنوان مختلف به مراکزی، به کتابفروشیهای حمله می کنند. بدانید که این کار خطا و خلاف است... اینگونه حادثه ها برای جمهوری اسلامی زشت و سنگین است.»

(۲۱ شهریور ۱۳۵۹)  
از این پس چماقداری اندکی کاهش پیدا کرده، اما متوقف نشده. از روز ۲۰ آبان ۵۹، بعد از آغاز جنجالی

که یدنیال دستگیری صادق قطب زاده پیش آمد، موج تازماری از چماقداری برآه افتاد. چماقداران برده سوم، که از سخنرانی احمد سلامیان در مشهد فعالیت خود را آغاز کردند، روش تازماری پیش گرفتند. در سخنرانی های دوجناح دو دسته شدند. گروهی به سود این جناح و دسته ای بنفع آن جناح شمار دادند. بعد هم با چماق بیجان هم افتادند. در اسفهان اتومبیل یک سخنران را دردم شکستند. بعد هم، «دست آخر، یک مشت چماقدار به دفتر حزب جمهوری اسلامی حمله کرده و به تخریب آن می پردازند. آیا مردم حق ندارند از خون بپرستند، مگر در دفتر حزب جمهوری اسلامی جز کتاب و قلم و بیانیه و دفتر و کاغذ چیزی وجود داشته که باید نابود شوند؟

نظیر این حوادث در چند شهر دیگر نیز صورت گرفت و عده ای چماقدار دفاتر حزب را تخریب کرده اند.

(روزنامه جمهوری اسلامی - ۷ بهمن ۱۳۵۹)  
و صد البته که چماقداران، وقتی به دفاتر حزب توده ایران هم حمله کردند، در آنجا هم چیزی غیر از کتاب و قلم و بیانیه و دفتر و کاغذ نبود. و این یک طرف حمله چماقداران است. از طرف دیگر، روزنامه «انقلاب اسلامی» هم از حملات چماقداری می گوید و می نویسد که: «یک گروه چماقدار به مردمی که برای استماع سخنان رئیس جمهور جمع شده بودند، با چوب و گشت حمله می کنند.»

(۱۱ بهمن ۵۹)  
و خبرها ادامه دارد: «چماقداران به مسجد میرزا داوود درمندان حمله کردند.» (انقلاب اسلامی - ۱۱ بهمن ۵۹)

«صدانقلابیونی که خود را زیر نقاب اسلام پنهان کرده بودند و مسلح بودند، در سه راه «طهری و خیابان شهید خرم آباد، شروع به تیراندازی هوایی کردند و سپس به دادن شعار «امروز همدار، فردا کشتار» پرداختند» (اعلامیه سازمان حزب توده ایران در

خرم آباد - نامه مردم ۱۳ بهمن ۵۹)  
این اخبار، که مثنی از خروار است، نشان می دهد که چماقداران در برده سوم سناریوی تنظیم شده از جانب سیا - ساواک، حساب برده ها را دریده اند. آنها به همه کس و همه جا حمله میکنند. به اسم «اسلام» به نیروهای نیرو سوسیالیسم علمی حمله می کنند و به نام «کمونیست» به نیروهای اسلامی یورش می دهند. هر جا اختلاف هست، چماقداران بین دوجناح ظاهر می شوند، بهر درسو حمله می کنند، تا با «منطق چماق» کارها را فاصله دهند. هر جا اختلافی نیست، باز هم «منطق چماق» یکبار می افتد، تا اختلاف ایجاد کند. چماقداران، در برده سوم سناریوی صدانقلابی چماقداری هم، همان مقاصد دو برده قبل را اجرا می کنند:

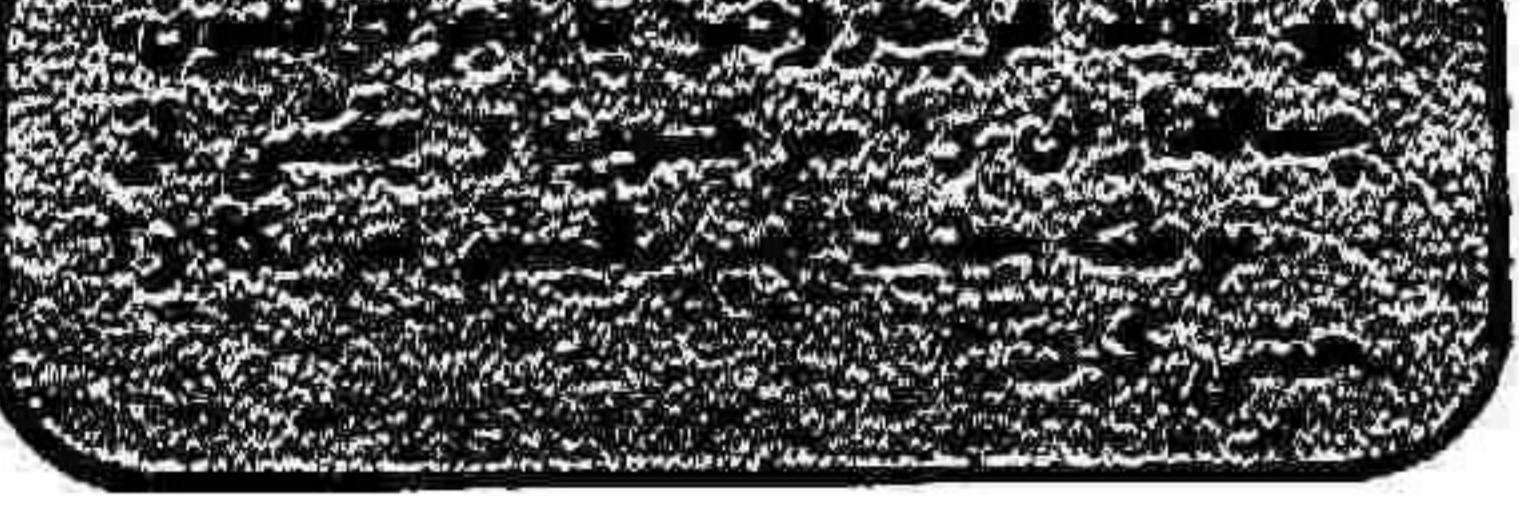
- ۱- ایجاد ناامنی و هرج و مرج
- ۲- از میان بردن امنیت
- ۳- ایجاد تشنج و درگیری و نفاق میان

نیروهای مختلف اجتماعی  
۴- ترساندن مردم و آتوق، وقتی که کم و بیش موفق به انجام این کارها شدند، از جو ایجاد شده استفاده می کنند و توسط ساواکی ها، لیبرالها، مائوئیستهای آمریکائی، بختیاری ها و ... به تبلیغ می پردازند که:

- ۱- دولت قادر به حفظ امنیت کشور نیست،
  - ۲- مردم از انقلاب برگشته اند،
  - ۳- امنیت نیست و چنان و مال همه در خطر است،
  - ۴- آزادی نیست و ...
- هدف نهایی از این تبلیغات، آماده کردن زمینه از طریق تضعیف رهبری انقلاب و دولت و جدا کردن مردم از آنها، برای زدن ضربه نهایی به جمهوری اسلامی ایران است.

این سناریوی همه جانبه، که یکی از حلقه های نقشه امپریالیسم آمریکاست، با شدت بی سابقه ای دنبال می شود. همه علاقمندان انقلاب شکوه مند ایران می پرستند: یا این وضع خطرناک چه باید کرد؟

پاسخ ما، که یارها و یارها آن را تکرار کرده ایم، روشن است: اجرای قانون! به نظر ما



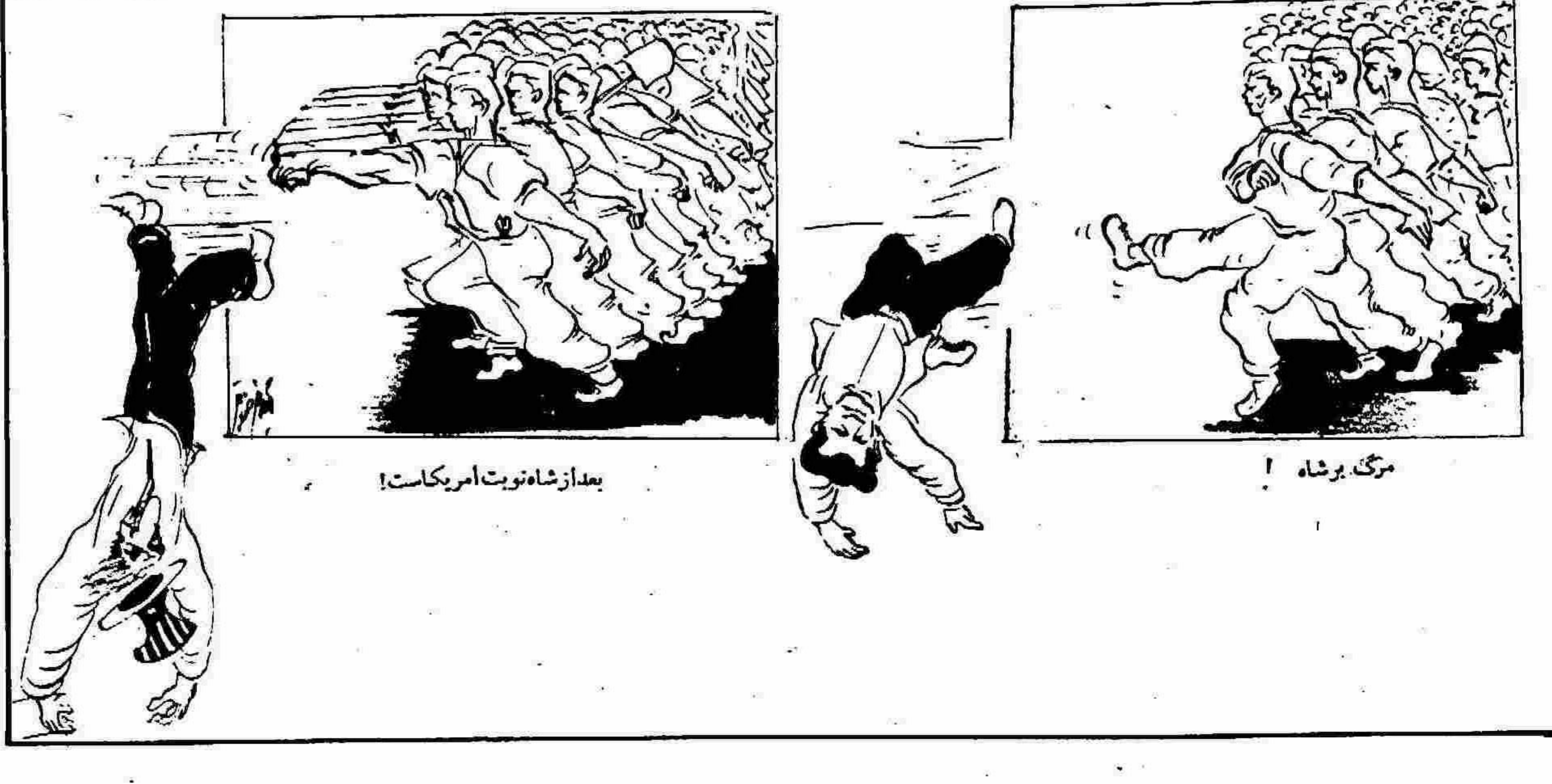
مقامات مسئول و ازگانهای انقلابی باید قانون اساسی را با قاطعیت تمام اجرا کنند. قانون باید با ایجاد امنیت قضائی، زمینه فعالیت احزاب، سازمانها و گروههایی را که در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران فعالیت می کنند، فراهم بیاورد.

بهین ترتیب باید با چماقداران، در هر لباس که باشند، مقابله جدی شود. اکنون مدتهاست که نیروهای انقلابی، از جمله حزب توده ایران، استادی دربار چماقداران، که آنها را ساواکی ها و مائوئیستها و گروه ناچیزی از افراد متمسب نا آگاه تشکیل میدهند، به مقامات مسئول تسلیم کرده اند.

بر اساس این اسناد و اطلاعاتی که مقامات مسئول دارند، باید بیدرنگ چماقداران تحت تعقیب قرار بگیرند. باید در چهارچوب قانون چماق کشان شناسائی و مجازات شوند. چماقداران و مراکزی که از آنها هدایت و حمایت می شوند، باید به افکار عمومی معرفی گردند. باین ترتیب، یعنی

با اجرای قانون، بدون هیچگونه استثناء است که می توان توطئه چماقداری را - بتوان بخشی از توطئه امپریالیسم آمریکا و صدانقلاب داخلی - خنثی کرد.

**گستاخی**  
امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بار دیگر در کشور ما بر خرمراد سوار شود، زیرا منافع آنان با منافع امپریالیسم در تضاد نیست، اما با تمسح انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما در تضاد عمیق است.  
- لیبرالها که ترسو تر از آنند که آشکارا اعتراف کنند هوادار همکاری با امپریالیسم، و طرفدار برجایی نظام سرمایه داری هستند، درد واقعی خود را پنهان می کنند و نعل وارونه می زنند که گویا دلشان به خاطر «انقلاب و اسلام خون است» و چه رباکار و عوام فریب و گستاخند که پای امام خمینی را هم به میان می کشند.  
برای دردم شکستن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما و حرکت آن در بستر سازش و تسلیم و همکاری با امپریالیسم، لیبرالها از تاکتیک مسخ انقلاب استفاده می کنند تا برسد آن زمانی که امپریالیسم قادر به سرکوب انقلاب ما شود و دولت «میانرو» و «متدل» باب طبع خود را، که جز لیبرالها نیستند، بر سر کار آورد. اما این تاکتیک لیبرالها، تا این مردم رزمند، بر صحنه نماند، پیروزی نخواهد داشت.



بعد از شاه نوبت آمریکاست!

مرگ بر شاه!



# برتری روانی انقلاب را برضد انقلاب، تحکیم و تقویت کنیم!

کمک کرده است. یکی از جاسوسان  
سیاه می نویسد:  
«من (جان گریوز) دو سناریو  
(برنامه و طرح) را که می تواند  
منجر به هرج و مرج گردد، در  
نظر دارم:

۱- یکی نیروهای ترسناک و ترسناکی  
که توسط نارضایتی های منطقه ای  
و قومی تحریک شده باشد و  
اگر به اینها به اندازه کافی طرز  
غلطی روبرو شوند، ممکن است  
باعث تعطیل شدن و بسته شدن  
مناطق نفتی گردند و یا اقتصاد  
نفتی را از هم بپاشد و یا جواری  
ملی گرانی را خراب کند که  
توده ها با رهبران مذهبی عرضه  
خود مخالف شوند.

خود مخالف شوند. (افتاگری شماره ۳، صفحه ۲۷)

ضد انقلاب و لیبالیها مائوئیست-  
های آمریکائی در فعالیت  
تبلیغاتی خود علیه انقلاب، از  
همه این عوامل سود می جویند.  
هر روز «اسناد موقتی» که  
در غرب باخانه دروغ ساز ضد انقلاب  
ضرب شده اند، علیه رهبران انقلاب  
و مسلمانان انقلابی پیرو خط  
امام و سایر نیروهای انقلابی،  
مستقیم و غیرمستقیم، در جامعه  
پخش و در تاکسی های ضد -  
انقلابی نقل می شوند. و هر سندی  
که رسوا می شود، «اسناد» دیگری  
آماده نشر هستند. ضد انقلاب،  
لیبالها و مائوئیستهای آمریکائی  
که تا دیروز زشت ترین دشمنان  
را تبار «دانشجویان مسلمان پیرو  
خط امام» می کردند و «گروگان-  
گیری» را بعنوان عامل تمامی  
بدبختی ها محکوم می ساختند و  
تمام توطئه های امپریالیسم آمریکا  
را به پای آن می گذاشتند، پس از  
آزاد شدن جاسوسان آمریکائی،  
فغان و فریاد برداشته اند و از  
سازش دولت یا آمریکا، سخن  
می گویند.

ضد انقلاب از سوی دیگر با  
تمام قوا می کوشد که قوای  
دفاعی انقلاب را در مقابل تجاوزگران  
صدامی و توطئه های آینده  
امپریالیسم آمریکا تضعیف کند.  
چون مملو از تبلیغات دروغین  
است، که هدفی جز تضعیف  
ارتش و سپاه پاسداران، بدین  
کردن مردم به آنها و در مقابل  
یکدیگر قرار دادن این نیروها  
ندارد.

و این هجوم تبلیغاتی- سیاسی  
امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم  
آمریکا، ضد انقلاب پیرودهانش،  
لیبالها و مائوئیستهای آمریکائی،  
به اشکال گوناگون و با تمام  
شدت ادامه دارد.

اما متأسفانه در قبال این هجوم  
وسیع و خطرناک تبلیغاتی -  
سیاسی، نیروهای انقلابی، آنچنان  
که بایست، به مقابله برخاسته اند.  
اهداف امپریالیستها، ضد انقلاب  
داخلی، لیبالها و مائوئیستهای  
آمریکائی، اشکال توطئه های  
آنان و شیوه های تحریک آمیز  
آنان برای توده مردم، در برخی  
موارد روشن نشده می ماند و  
این امر کمک میکند تا این  
سوم مهلك تبلیغاتی سیاسی  
بر زمینه ناآگاهی مردم، درازان  
پشتیند.

انقلاب باید به توده های  
میلیونی مردم، اعتماد بنفوس و

بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی،  
ضد انقلاب داخلی، لیبالها و  
مائوئیستهای آمریکائی بسابقه-  
ترین کارزار تبلیغاتی را علیه  
انقلاب برافراشته اند و با تمام  
قوا می کوشند تا با پختن  
شایعات و نشر اکاذیب، بویژه  
علیه رهبر انقلاب، مسلمانان  
انقلابی پیرو خط امام و نیز  
علیه دولت و مجلس شورای  
اسلامی، در میان طبقات جامعه،  
نسبت به انقلاب بدبینی و سرانجام  
خصومت یافرنهند، انقلاب را  
تضعیف کنند و زمینه را برای  
ساقط کردن جمهوری اسلامی  
ایران و یا مسخ و استحالته آن،  
فراهم سازند.

ضد انقلاب به هرگونه دروغ  
زذیلاتی توسل می جوید، تا به  
اعتماد مردم نسبت به انقلاب،  
خنده راد سازد. لیبالها و  
مائوئیستهای آمریکائی دشواری-  
های جنگ تجاوزکارانه را، که  
مولود توطئه های امپریالیسم  
آمریکا و جنایات تجاوزگران  
صدامی است، ناشی از «بی -  
تدبیری» مسلمانان انقلابی وانمود  
میسازند، حال آنکه، نیروهای  
سازشکار خود در ایجاد عدم  
آمادگی نیروهای دفاعی، که از  
عوامل مهم تحریک صدام حسین  
به تجاوز بود، نقش درجه اول  
داشتند. آنها دشواریهای ملموسی  
را که در زندگی معیشتی مردم  
پدید آمده و ضد انقلاب و عوامل  
مورد حمایت لیبالها و مائوئیستها  
آمریکائی و محترکان و تجار  
بزرگ در آن نقش اصلی را  
دارند، بیای انقلابیون مسلمان پیرو  
خط امام می نویسند و از «بی-  
کفایتی» دولت دم میزنند، حال  
آنکه مقصد اصلی، یعنی شیطان  
بزرگ و متحدان و وابستگان  
داخلی آنها از زیر ضربه خارج  
می سازند.

گذشته از این، ضد انقلاب و  
لیبالها و مائوئیستهای آمریکائی  
یا رخنه موثر در همه ارگانها،  
جهت گیری خلتی آنها را خنده دار  
و منحرف میسازند، باعث اتخاذ  
تصمیماتی علیه منافع خلق و پیوستن  
مستکبران میگردند و آنگاه  
نعل وارونه میزنند و این ناراستیها  
و کژیها را بهای جمهوری اسلامی  
ایران و رهبری انقلاب می -  
نویسند، و هماغونه که امام  
خمتی نیز بدرستی تصریح  
کرده اند:

**«تمام آشنگی هائی که بدست  
ضد انقلابیون و منحرفین انجام  
می گیرند، به گردن جمهوری  
اسلامی میگذرانند.»**

(از سخنرانی ۱۷ بهمن ۵۹)  
همچنین قشری گریه بارانحصار-  
طلبی های برخی از نیروهای صدید،  
ولی ناآگاه مسلمان، که اینجا  
و آنجا در ارگانها بسوخ دارند،  
بیانه دیگری هستند که به ضد  
انقلاب و لیبالها و مائوئیستهای  
آمریکائی امکان میدهند تا چهره  
رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی  
ایران را دگرگونه جلوه دهند و  
مردم را علیه آنها تحریک کنند.  
این کج رویهای مسئولین قشری  
و انحصارطلب، از نکاتی است  
که جاسوسان آمریکائی بدانها  
اهمیت بسیار داده اند، زیرا به آنها  
در تحریک مردم و فریب آنها

## در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

# ما با آمریکا پنجه در پنجه انداخته ایم و فرانسه، هم پیمان آمریکاست

★ رئیس مجلس: فرانسه پناه صدام ها، اویسی ها، ازهارای ها، بختیارها و فراریهای سابق است.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای  
اسلامی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی،  
رئیس مجلس، درباره ارسال اسلحه فرانسه  
به عراق گفت:

«ما با آمریکا باصراحت پنجه در  
پنجه انداخته ایم و با امپریالیسم به نبرد  
برخاسته ایم. یکی از عوامل تصمیم دولت  
فرانسه این است که نمی تواند بیند یک  
ملت کوچک ایت و همیشه پدربزرگ این  
آقایان را بشکند دولت فرانسه احسلی  
کرده در ایران دیگر جانی برای مظلوم  
استعماری نیست.»

در ابتدای جلسه دیروز، نامه  
اغتراشیه عده ای از نمایندگان دزمواردتحویل  
میرازهای فرانسه به رژیم تجاوزکار صدام  
خطاب به پارلمان فرانسه خوانده شد. در  
این نامه، ضمن اشاره به سیاست  
امپریالیستی دولت فرانسه، گفته شده  
است:

«مردم ما از شما نمایندگان ملت  
فرانسه مشغول میکنند: آیا تجربه الجزایر  
و سقوط سیاست امپریالیستی فرانسه کافی  
تبود که به دولت مردان شما بیاموزد، دوران  
زورگویی و سلطه طلبی به سر آمده است؟»

پس از خواندن نامه، محمد مصدق،  
نماینده گران، با اشاره به آن گفت:

«ما از دولت فرانسه غیر از این  
انتظار نداشتیم. او هم پیمان آمریکاست. ما  
موضع گیریهای دولت فرانسه را در ویتنام،  
کامبوج و الجزایر دیده ایم و امروز در  
چاد می بینیم.»

وی افزود: «آبرو و حیثیت دولت  
فرانسه را این دولت در این مدت چند ده سال  
برده است.»

وی پیشنهاد کرد که نامه از طرف  
مجلس نباشد.

سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی،  
رئیس مجلس، ضمن تأکید بر اینکه این  
نامه تنها از سوی عده ای از نمایندگان  
است، در این مورد خطاب به رئیس پارلمان  
فرانسه گفت:

«این اقدام دولت فرانسه بیوجه برای

مردم آزاده دنیا قابل توجه نیست. فرانسه  
در همین موقعی که ناوچه های تویدار ما را،  
که مدت ها قبل پولتی را گرفته، توقیف  
کرده، میرازها و بسیاری از امکانات جنگی  
دیگر را برای عراق فرستاده است. تحلیل  
مردم آزاده دنیا از این موضع فرانسه چه  
می تواند باشد؟ ما چه کردیم و عراق چه  
کرده که این موضع فرانسه را بتواند  
توجیه کند؟ ما یکی از کارهای اساسی مان  
این بوده که با آمریکا باصراحت پنجه  
در پنجه انداخته ایم و با امپریالیسم به  
نبرد برخاسته ایم. یرشک یکی از عوامل  
تصمیم فرانسه این است که نمی تواند بیند  
یک ملت کوچک، ایت و همیشه پدربزرگ  
این آقایان را بشکند. مطلب دیگر اینکه  
دولت فرانسه احسلی کرده در ایران دیگر  
جانی برای مظلوم استعماری نیست و آنها  
بعق فهمیده اند که دیگر ایران بساج  
به دولت هائی که قصد غارت اموال ملت را  
دارند، نمی دهد، و ایران جای چنین غارتی  
نیست. از آن قراردادهای پرسود، از آن  
فروشهای ارزان نفت و از آن سفره رنگینی  
که رژیم پهلوی برای امثال دولت فرانسه  
باز کرده بود، دیگر پیش نمی آید.»

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود:  
«نقطه مقابل این که، بلز عامل دیگری  
در تصمیم گیری فرانسه می تواند باشد،  
اینست که فرانسه در عراق طرق زیادی  
باز کرده برای استعمار مردم عراق. ما  
میدانیم چه قراردادهای ننگینی بین فرانسه  
و عراق برقرار شده، که آنها دولت فرانسه  
اسلحه را به چه قیمت بدهد و نفت را به  
چه قیمت بگیرد و قراردادهای باصطلاح  
عمرانی و خدماتی در آنجا وجود دارد.  
فرانسه به مردم عراق به چشم یک طعمه  
نگاه می کند که دیگر به ایران نمی تواند  
نگاه کند. ما امیدواریم که مردم عراق  
هم مثل مردم ایران چشم این طمعکاران را  
کور کنند و دست آنها را قطع کنند. اگر  
امروز صدام باج می دهد، فردا ملت عراق  
باج نخواهد داد. ما این را می دانیم. اگر

در نخستین روزهای درگیری میان ایران و عراق  
مدعی بودند که گویا جنگ اقزراهی شوروی  
از راه بندر عقبه اردن به عراق رسانده میشود.  
چندی نگذشت که بطان این ادعای ناهنجار  
تأیید شد و مبلغان رسوا گردیدند. اگر  
! اکنون بعضی تلاش نمیکنند، از راه پختن  
یاوه های ناهنجار ضد شوروی به هدفهای کاملاً  
مشخص و موزیانه دست یابند، اینبار هم زوهمی  
داشت، به این اباطیل و ساخته های ذهنی  
تبلیغات امپریالیستی پرداخته.

تعداد زیادی...  
۴- در اثر درگیری روز  
گذشته پرسنل ژاندارمری جمهوری  
اسلامی ایران یا افراد مسلح  
غیر قانونی در منطقه سندیج، سه  
نفر از دلاوران ژاندارمری شهید  
و ۲ نفر مجروح شدند.

۵- تیسروی زمینی ارتش  
جمهوری اسلامی ایران مواضع  
دشمن مزدور را در منطقه هرگنه  
زیر آتش توپخانه قرار دادند، که  
در نتیجه ۱۳ تن از مزدوران  
عراقی به هلاکت رسیدند و ۲۷  
نفر نیز مجروح شدند.

برای مقابله با تجاوز  
نظامی آمریکا، تمام  
خلق باید از نظر  
نظامی مجهز شود

باید شبکه تبلیغاتی ضد انقلاب  
را درهم کوبید. سکوت در قبال  
تبلیغات گسترده ضد انقلاب،  
پروردن خنجر در پهلوی انقلاب  
است.  
و مهمتر از همه آنکه، باید،  
در چارچوب امکانات، کمبودها و  
نارسائیها را برطرف کرد؛ باید  
از ندانم کاریها، انحصارطلبی ها  
و برخورد های قشری جلوگیری  
کرد؛ باید اشتباهات را تصحیح  
کرد؛ باید ارگانها را از وجود  
فساد برانگیز ضد انقلاب و  
لیبالها و مائوئیستهای آمریکائی،  
که خرابکاری می کنند و آنها  
«به گردن جمهوری اسلامی می -  
گذارند، پاک کرد.  
باید، هماغونه که امام خمینی  
نیز گفته اند، به مردم امید داد  
و برتری روانی انقلاب را بر جبهه  
ضد انقلاب قلمین و حفظ کرد.  
باید مردم را بیدار کرد.

## درباره گزارشهای...

بقیه از صفحه ۱

«بی-بی-سی» و بدنبال آنها برخی از دیگر  
رسانه های گروهی غرب مصراحت این شایعه را  
پختن میکنند، که گویا عراق اسلحه ساخت  
شوروی از اروپای خاوری دریافت می دارد. در  
ضمن مرتب تکرار میشود، که گویا تجهیزات  
جنگی از راه عربستان سعودی حمل میگردد.  
یادآور میشود که مبلغان امپریالیستی

امید بدهد و ضد انقلاب را در  
عرشه جنگ روانی نیز شکست  
دهد و مضمحل سازد. انقلاب برای  
پیشروی خود به این پیروزی نیاز  
میرم دارد.

اگر انقلاب، در همه عرصه ها  
و موارد، کارزار تبلیغاتی ضد  
انقلاب را عقیم گذارد و مشت  
آترا بکشد، بی شک نیروهای  
متزلزل و یا بی تفاوت را جلب  
خواهد کرد و یا بیطرف نگاه  
خواهد داشت و ضد انقلاب،  
لیبالها و مائوئیستهای آمریکائی  
را منفرد خواهد کرد.

این درست است که توده های  
میلیونی مردم در اکثریت عظیم  
خود پشتیبان وفادار خط امام  
خمتی هستند و خواهند بود. این  
درست است که تجاوز دو سال  
گذشته آگاهی خلق را به میزان  
زیادی بالا برده و در تعمیق  
شناخت وی نسبت به دشمنان  
واقعی بسیار موثر بوده است.  
اما نباید تصور کرد که کار  
پایان یافته است. باید در مقابل  
شبکه وسیع ضد انقلاب، نیروی  
انقلاب را سازمان داد و ترفند  
های ضد انقلاب را یک به یک  
برای توده های مردم افشا کرد و  
وی را رسوا ساخت. خلق تنها  
از این طریق، یعنی از طریق آگاهی

به یک یک حیل دشمن مکاره،  
ماهیت وی را خواهد شناخت و  
با نیرو و توان بیشتری به حمایت  
از انقلاب روی خواهد آورد، باید  
به مردم ماهیت لیبالهای را که  
امروز از سازش دولت دم می -  
زنند، نشان داد و نقش سازشکارانه  
آنها را، که با دستکاری شیطان  
بزرگ، گرفتاریهای بزرگی برای  
مردم ما و انقلاب ما فراهم آوردند  
و اکنون نیز خرابکاری می کنند،  
افشا کرد. باید نقش مخرب  
گروه های مائوئیستی- آمریکائی  
را، که ستون پنجم دشمن هستند،  
افشا کرد. باید به مردم عامل  
اصلی دشواریهای زندگی را،  
که ضد انقلاب و مائوئیستهای  
آمریکائی و لیبالها بر گردن  
رهبری انقلاب و مسلمانان انقلابی  
و بیروخط امام می گذارند، نشان  
داد و مشت سالوس و ریای  
آنها را در پیشگاه خلق گشود.



ضمیمه نامه مردم برای جوانان توده شماره ۵ بهمن ۱۳۵۹ منتشر شد

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

- چشید از تویسرکان ۱۲۵۰ ریال
مجید از تویسرکان ۱۲۵۰ ریال
سازمان حزب در شهر کرد ۱۴۰۰۰ ریال
سازمان حزب در شیراز ۱۰۰۰۰۰ ریال
مرشد از بندر انزلی ۵۰۰۰ ریال
رفیق از شهرری یک نیم سکه طلا
جمع آوری شده در عروسی گیتی ۱۲۰۰۵ ریال
کاتم. ر ۱۰۰۰ ریال
بابک از شهرری ۵۰۰ ریال
هلی ۲۰۰۰۰ ریال
ح. ش کارگر یلزار ۲۰۰۰ ریال
خانم آ. م ۲۰۰۰ ریال
خانم ز ۶۰۰ ریال

علاقندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمنش و به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا) خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

نامه مردم ازگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست
NAMEH MARDOM No. 440 9 February 1981
Prices: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.
خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می توانند به آدرس زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند.
صندوق پستی ۱۶/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

بدینا با او امر امام خمینی مبنی بر رسیدگی به وضع بازماندگان معدومین کودتای نافرجام ۱۸ تیر، وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران سرهنگ فکور پیشینداتی درباره تأمین زندگی این خانواده ها خدمت امام خمینی تقدیم نموده، که امام خمینی با آن موافقت کرده اند.

بنا بر این پیشنهادها، قرار است به هر خانواده با یک فرزند، ماهانه ۳۰ هزار ریال، و برای هر فرزند اضافی ماهانه ۵ هزار ریال از طرف وزارت دفاع پرداخت شود. علاوه بر این، چون این خانواده ها قبلاً در خانه های سازمانی سکونت داشته اند و اکنون ادامه این وضع مقایر یا اصول امنیتی است، وامی جهت خرید خانه به خانواده ها پرداخت و برای بازپرداخت وام، ماهانه مبلغ کمی از مستمری آنان کسر گردد.

این تصمیم درست، که از روح پر کرامت و سنجیده مردم دوستی امام خمینی ناشی است، مورد تأیید و تحسین همگان است، زیرا هر چند سرپرست این خانواده ها توطئه گر، خائن به میهن، خائن به نظام جمهوری اسلامی ایران و دستیار و همکار امپریالیسم جهانیست، اما در این ماجرای تلخ و در مسیر حرکت آنان به سوی حیانت، گناهی نداشته اند. حق اینست که جمهوری اسلامی ایران رفاه آنان را فراهم سازد و با تمهید به سرپرستی آنان، مانع از آن شود که زنان در راه شوهران و فرزندان در راه پدران یکذاریند.

این تصمیم منطقی و بیجا درباره خانواده های معدومین کودتاجی، خود بخود ماجرای دیگری را در خاطره ها زنده میکند: سال ۱۳۳۳، در آستانه عقد قرارداد خائنه با کسرسیوم، بدستور شاه ملوم و زیر نظر تیمور بهتیار معدوم و حسین آرموده فراری، نزدیک به ۵۰۰ افسر و درجه دار، به «گنامه» عضویت در حزب توده ایران بازداشت شدند و بدست امجدی، زینالی، سیاحتگر، زمانی، مولوی و شکنجه گران خدمت دیگری از این قبیل، زیر شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند. اینان گل های سرسید ارتش ایران بودند.

میبین دوست، مردم دوست، رزمنده، پر خردار از سواد و معلومات، پیرمندی از سرشتی پاک و دارای شهادت اخلاقی بودند. آنها با استقرار نظم شاهنشاهی در ارتش و اطاعت کورکورانه از فرماندهان مخالف بودند و نفوذ امپریالیست را در ایران و سلطه مستشاران و جاسوسان امریکائی را بر ارتش نمی خواستند. آنان برای ایرانی مستقل، آزاد و آباد مبارزه میکردند. این گروه از افسران و درجه داران، به تناسب، سالهایی از زندگی خود را وقف مبارزه به خاطر این اهداف میهنی و انسانی کرده بودند و در محیط کار و زندگی خود، به پاک، شهادت، پیکار، جوانی، عدالت خواهی و وطن دوستی اشتیاق داشتند.

بازداشت و محاکمه و تیرباران این فرزندان راستین خلق، خواست امپریالیسم امریکابود، تا اولاً در مردم ایجاد رعب و وحشت کند و راه را برای نفوذ مجدد خود و متحدانش در کشور ما بگشاید؛ و ثانیاً

ارتش ایران راه، که میبایست زیر نظر مستشاران جاسوس امریکا، به ابزار سرکوب خلق و جنبش های مترقی منطقه بدل شود، از وجود این افسران میبین دوست و صدامیریالیست تمس سازد.

امپریالیسم امریکا، به کمک مزدور دست نشانده خود محمدرضا، در این توطئه توفیق یافت: ۳۲ نفر از افسران تودهای تیرباران و بقیه به حبس های طولانی محکوم شدند، که شش تن از برترین، زنده ترین و مقاوم ترین آنان، ۲۵ سال تمام را در زندانهای شاه ملوم گذراندند و قتل در جریان انقلاب، بدست خلق رزمنده، آزادی خود را بازیافتند.

وزارت دفاع شاهنشاهی به ریگ از هسران این افسران، تا زمانی که از دواج مجدد نکرده، مبلغ ناچیز ۲۰۰ تومان و برای هر فرزند مبلغ ۵۰ تومان میرداخت،

# این تبعیض برای چیست؟

که این مبلغ تنها در آخرین سال حکومت طاغوت، با توجه به نرخ گرانی و تورم بیست و چند ساله، به ۱۵۰۰ تومان افزایش یافته بود.

در دوران پس از پیروزی انقلاب، امید آن بود که از جانب مسئولین جمهوری اسلامی ایران، مبارزات ارزنده این افسران مورد تقدیر قرار گیرد، از آنان جبران خسارت مادی و معنوی شود و از خانواده های افسران شهید استمات بعمل آید و به وضع مادی آنان رسیدگی شود، که با کمال تأسف چنین نشد.

نه تنها سوابق خدمت و مبارزه این افسران میبین دوست و شریف مورد توجه قرار نکرده، بلکه بنا خانواده های افسران شهید از سوی برخی مقامات مسئول چنان رفتار شد که پیچرو در شان جمهوری اسلامی ایران نیست. تاکنون دویار به قطع حقوق ۱۵۰۰ تومانی این خانواده ها اقدام شده، و ماها به بهانه های مختلف، آنها را از دریافت این مبلغ ناچیز محروم کرده اند. در قبال درخواست کتبی این خانواده ها مبنی بر رسیدگی به سوابق خدمت افسران میبین دوست و مبارز و برقراری مستمری بازنشستگی درباره آنان، با آنکه نخست وعده هایی داده شده، ولی در جریان امر، این روند متوقف ماند و به این عنوان که به «توده ای» ها مقرر

بازنشستگی تعلق نخواهد گرفت، پرونده های تشکیل شده روی میزهای مقامات وزارت دفاع خاک میخورد و بدتر از همه آنکه، در مراجعه این خانواده ها به مراجع گوناگون، گاه چنان رفتار خشونت آمیزی با زنان و فرزندان افسران شهید میشود، که دهان از تأسف و حیرت باز میمانند.

مراجع مسئول در وزارت دفاع جا دارد از امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بیاموزند که حتی دیمورد خانواده های افسران خائن و کودتاجی چنان رفت و علوقتی از خود نشان میدهند؛ از امام خمینی بیاموزند که حتی درباره سربازان و افسران مهاجم عراقی، که اکنون بعنوان اسیر در کشور ما بسر میبرند، فرمان رفتار انسانی و تأمین رفاه آنها را میدهند. وقتی جمهوری اسلامی ایران یا خائنان و مهاجمان چنان رفتار بشردوستانه ای دارد و گفتار خود را با رفتار خویش هماهنگ میسازد، جای تأسف و شگفتی نیست که با خانواده های که سرپرست های خود را به گناه مبارزه با امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا و نظام سلطنتی خائن پهلوی از دست دادند چنین رفتار شود. سوابق خدمت و مبارزه آنان بحساب نیاید، حقوق ناچیز خانواده های آنان قطع و از برقراری مستمری بازنشستگی درباره آنان امتناع شود؟

ممکن است این یا آن مرجع مسئول در وزارت دفاع با «توده ای» ها مخالف باشد و از آنها خوش نیاید، اما آیا «توده ای» ها، که مناسب عالی مقام و درجه و حتی زندگی خود را بخاطر اهداف میبین دوستانه و آزادی طلبانه از کف داده اند، حتی بدتر از کودتاجی ها و اسرای جنگی هم هستند؟ آیا میتوان در حالی که پس از پیروزی انقلاب، از افراد «غیر توده ای» جبران خسارت شده و سوابق خدمت آنها احیا گردیده، «توده ای» ها را از شمول این تصمیمات بجا، مستثنی کرد و حتی پرداخت حقوق ناچیز خانواده افسران شهید را هم، به بهانه های گوناگون، قطع نمود؟ آیا مجاز است در شرایطی که وام خرید خانه به خانواده های افسران کودتاجی پرداخت میشود، هسر و فرزندان افسران شهید توده ای، در خانه اقوام و بستگان خود و یا در یک یا دو اطاق اجارهای بسر ببرند؟ افسران کودتاجی خیانت کرده اند و خانواده هایشان چنین مورد استمات قرار میگیرند - که درست است، و افسران توده ای از نخستین پیشاهنگان مبارزات صدامیریالیستی و خلتی مردم میبین ما بوده اند و خانواده هایشان چنین تحت فشارند که درست نیست و غیر عادلانه است.

ما از وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران و سایر مسئولین وزارت دفاع میخواهیم که با الهام از فرمان علوقتی امام خمینی برای تأمین رفاه خانواده های افسران معدوم کودتاجی، تبعیض نسبت به خانواده های افسران شهید توده ای را از بین ببرند و در برقراری مستمری بازنشستگی برای این خانواده ها و تأمین رفاه آنان، اقدامات لازم را بعمل آورند.

## کشایش کنفرانس جنبش کشورهای غیر متعهد در دهلی پایتخت هند

کنفرانس جنبش غیر متعهدا امروز در دهلی نو، پایتخت هند آغاز بکار میکند. جمهوری اسلامی ایران، که سال گذشته به عضویت این جنبش درآمد، در این کنفرانس بعنوان عضو کامل جنبش غیر متعهدا شرکت دارد. اکنون اکثریت کشورهای آسیا و آفریقا و یغتی بزرگی از کشورهای امریکای لاتین عضو این جنبش اند. جنبش غیر متعهدا در مبارزه بخاطر استقلال ملی، پیشرفت اجتماعی، صلح و امنیت خلتها و مبارزه علیه امپریالیسم به عامل مهمی در عرصه سیاست جهانی تبدیل شده است. کنفرانس جنبش غیر متعهدا در شرایطی تشکیل میشود که در نتیجه تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، اوضاع این منطقه به رخامت گرائیده و سیاست تجاوزی و توطئه های امپریالیسم امریکا، استقلال ملی کشورهای این منطقه را تهدید میکند. جنگ تحمیلی دارو دسته خائن صدام علیه جمهوری اسلامی ایران، که با تحریک امپریالیسم امریکا انجام گرفته، بر پیچیدگی و بغرنجی این وضع افزوده است. این اقدامات تجاوزکارانه و دیگر کوششهای دولت امریکا برای تشدید مسابقه تسلیحاتی، از آنچه سلاح هسته ای و بازگرداندن اوضاع بین المللی به دوران جنگ سرد، صلح و امنیت همه خلتهای جهان را تهدید میکنند. در چنین شرایطی کنفرانس کشورهای غیر متعهد موقوف است که با روشی واقع بینانه توجه اصلی خود را به حل این مسائل معطوف سازد، که در عین حال موجب استحکام وحدت و یکپارچگی بیشتر جنبش غیر متعهدا در مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر حفظ و تحکیم استقلال ملی آنان خواهد شد.

## نماینده شوروی سیاست توسعه طلبانه و عملیات تروریستی اسرائیل را محکوم میکند

والرین زورین، نماینده اتحاد شوروی، در اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که در ژنو جریان دارد، سیاست توسعه طلبانه اسرائیل در سرزمین های اشغالی را محکوم کرد و آنها را ناقص صریح حقوق بشر ارزیابی نمود. نماینده شوروی خاطر نشان ساخت که از سال ۱۹۶۷ تاکنون، در حدود ۲۰۰ هزار نفر از ساکنان سرزمینهای عربی اشغال شده از این سرزمینها بزرور اخراج شده اند. دولت صهیونیستی اسرائیل تلاش دارد که ترکیب جمعیت این سرزمینها را بطور اجباری و از طریق احداث اردوگاههای مهاجر نشین تغییر دهد. دولت اسرائیل ضمن نقض خشن قطعنامه های سازمان ملل متحد، بیت المقدس را پایتخت اسرائیل اعلام کرده است.

## برنامه مانورهای نظامی آمریکا در عمان

سخنگوی پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) اعلام کرد که امریکا در پایان ماه جاری در خاک عمان مانورهای نظامی انجام خواهد داد. خبرگزاری یونایتد پرس در این باره گزارش داد که ۲۰۰ هزار نفر از سپاهیان «نیروهای واکنش سریع» در این مانورها شرکت خواهند کرد. بمقیده نظران سیاسی، هدف از اجرای این مانورها، قدرت نمائی نظامی امریکا و تهدید کشورهای مستقل ملی این منطقه است.

تشدید اقدامات تروریستی علیه سیاه پوستان ژوزف لوری، رئیس سازمان سیاه پوستان امریکائی بنام «کنفرانس رهبری مسیحی جنوب»، طی تلگرام اعتراض آمیزی بعنوان جورج بوش معاون رئیس جمهور امریکا، درخواست کرد که شش آفلاتا بعنوان منطقه همبیت زده اعلام شود در این تلگرام آمده است: «به عملیات تروریستی نژادپرستان سفید پوست علیه سیاه پوستان باید پایان داده شود». طی چند روز اخیر، جسد پانزده جوان سیاه پوست، که قربانی عملیات تروریستی نژادپرستان شده اند در اطراف شهر آفلاتا پیدا شده است. طی یکسال اخیر، هفتصد تن کودک و جوان سیاه پوست، از سن ۷ تا ۱۵ سالگی، مقتود و یا بدست نژادپرستان این شهر به قتل رسیدند.